

چهارم ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده از نقطه نظر قانونی يك نظری دارم و تصور میکنم كه مجلس نتواند رأی بدهد كه جزو دستور گذاشته بشود زیرا بدون اینکه مسئله اجازت مراجه بکمیسیون بوده بشود نمیتواند در مجلس مذاکره شود ممکن است جواب بگویند كه چون مجلس رأی داده میتواند بمذاکره کنیم ولی گمان میکنم این رأی برخلاف ترتیب بوده است و چون این يك اعتباری است كه از طرف دولت برای مخارج خواسته شده باید برود کمیسیون بودجه و از آنجا باید بمجلس بیاید حالا چون مجلس رأی داده است و میخواهند داخل مذاکره بشوند بنده عرض میکنم این راپورت را بنویسند كه نوشته شده است ناقص میدانم و همانطور كه آقای رئیسالتجار فرمودند مجلس رأی میدهد كه دولت دوست هزار تومان فرض کرده و خرج كند تا آب كارون بزاینده رود ملحق شود در صورتی كه برای دولت هیچ نفعی در اینجاملحاظه نشده مگر اینکه همانطور كه بنده پیشنهاد کرده ام و در اینجامم مذاکره شد پس از الحاق آب بزاینده رود املاك اطراف آن معزى بشود و دولت عشریه دریافت دارد اگر این نظریه تصویب شد آنوقت دولت اگر كمكى بكنند مقابل نفعی هم عایدش نخواهد شد و اما عیب دیگر راجع به خساراتی است كه ممكن است بمحل های دیگری وارد آید .

در راپورتی كه کمیسیون داده ذكر میکنند مشروط بر اینکه خسارات غیرقابل جبران واقع نشود ولی اگر قابل جبران بود چه حالی دارد ؟ در این راپورت راجع باین مطلب ذكری نشده .

بعقیده بنده اگر غیرقابل جبران شد كه باید اهالی اصفهان را از این خیال محروم نمود ولی اگر قابل جبران شد پس يك خساراتی از مجرای آب بمحل های دیگر واقع شود كه بشود جبران كرد البته باید اهالی اصفهان آنرا جبران كنند و بنده در این باب پیشنهادی کرده تقدیم مجلس میدارم اگر چه گمان میکنم خود اهالی اصفهان هم همین نظر را داشته باشند عرض دیگر آنكه مجلس رأی داده و دولت هم دوست هزار تومان قرض کرده و مشغول عملیات شده بعد در بین عمل يك موانعی بر خوردند و دیدند نمیتوانند آب را رد كنند و یا مجرای آب كود تر از مجرای رودخانه باشد آیا این قرض را كه دولت کرده است خودش باید خسارت بکشد یا رعایا خواهند داد خواهش میکنم این مطلب را

هم توضیح بفرمائید .

رئیس - آقای حاج امینالتجار ( اجازة )

حاج امینالتجار - قبل خدمت آقایان باید عرض كنم كه مسئله الحاق آب كارون بزاینده رود مسئله ای نیست كه امروز محل توجه اهالی اصفهان و احتیاج آنها واقع شده باشد بلكه مسئله ای است كه از قدیم باین خیال بوده اند و اگر به تاریخ رجوع فرمائید می بینید شاه عباس مرحوم از سیصدسال قبل اقدام باین امر نموده و بطوریکه در تواریخ می نویسند چهل روز در آن محل برای بریدن كوه و آوردن آب كارون بزاینده رود اقامت کرده و شاید مبالغ خطیری هم بمصرف رسیده و از حیث مهندس هم البته آنوقت از آثار و مهاراتی كه فعلا از سلاطین صفوی باقی است معلوم میشود مهندسین قبلی هم بوده اند و در آنجا نقطه ای را اختیار کرده و مشغول عملیات شده اند و يك قسمتی از كار را هم انجام داده اند منتهی چون در اوخر سلطنت شاه عباس بوده و هر او كفاف نداده كه این كار را تمام بكنند باین جهت تا امروز این كار بحال خود باقی است و بنده عرض میکنم كه ما باید خیلی متشكر باشیم و اسباب افتخار ما است كه در مجلس دوره چهارم يك كاری را كه یکی از سلاطین عظیم الشان ایران اقدام کرده تصویب می شود كه برای انجام آن اقدام شود اما شرحی كه آقای رئیسالتجار در خصوص پول دادن و مخارج كردن فرمودند لازم است عرض كنم چنانكه در کمیسیون هم مذاکره شد این دوست هزار تومان را كه مقرر داشته اند دولت در ظرف مدت پانزده سال بپردازد .

البته يك منفعتی برای دولت در نظر گرفته و این پیشنهاد را کرده اند چنانچه آب بیرون نیاید هیچوقت اهالی اصفهان حاضر نیستند يك همچو پولی را دولت بدهد اما اینکه فرمودند اگر مخارج از سیصد هزار تومان زیادتى بشود چه خواهد شد عرض میکنم كه در چندى دوسه نفر مهندس روسی كه تفصیل آن مفصل است و برآورد كردند و مخارج آن را مطابق صورتی كه نوشته اند در حدود ۴۰۰ هزار تومان معین نموده اند و البته میدانید وقتیکه مهندسین خارجه این چیزها را برآورد میکنند نسبت به عملیات و بعضی چیزها و اجرت و مخارج را زیادتى حساب میکنند و لابد صد هزار تومان بشتر مخارج را معین کرده اند پس در اینصورت گمان میکنم بیشتر از سیصد هزار تومان خرج ندارد و اینکه راجع به اراضی باارولم بزرع فرمودند جوابا عرض میکنم كه بین رودخانه زاینده رود و كارون

هیچ اراضی باارولم بزرعى نیست و اراضی اطراف زاینده رود هم بواسطه بی آبی زراعت نمیشود و فقط از آن اراضی و املاك جز يك مقدار نوشتجات كه در نزد صاحبانش می باشد و يك قلعه خرابه و چیز دیگر باقی نمانده و تمام رعایای آنجا بواسطه خشك سالی و بی آبی متواری شده اند و علت دیگر ندارد و بطوریکه بنده تحقیق کرده ام دو ثلث عملیات اداره فقط جنوب از همان رعایای اصفهان هستند كه نتوانسته اند در اصفهان زیست كنند و به آنجا رفته مشغول عملی شده اند و راجع بتقسیم آب هم این آب مجزائی غیر از مجرای زاینده رود ندارد و زاینده رود هم تقسیماتی دارد كه تقسیمات اساسی است و مرحوم شیخ بهائی معین کرده و گمان میکنم خیلی عملی و صحیح باشد منتهی شرعاً هم همین طور است و قتی كه در بالا به آب محتاج باشند بیابان نمیرسد ولی همین قدر خاطر آقایان را متذکر میکنم كه از این آب كارون بیاید بقدر كفایت خواهد بود و تقسیم لازم نمیشود اما اینکه فرمودند سبب اینکه آب بیابان نمیرسد این است كه در قسمتهای بالای رودخانه شلتوك میكارند .

گمان میکنم با اینکه در زمان شاه عباس در آنجاها شلتوك كاری نمی شد باز هم آب كم بوده و دلیلش هم همین است كه مرحوم شاه عباس می خواست كارون را ضمیمه رودخانه زاینده رود كند در خاتمه عرض میکنم راجع بمخارج و تقسیم آب بقدر كفایت صحبت شده و آقایان كه از املاك اصفهان اطلاع دارند تصدیق میفرمائید مالیات نقدی اصفهان بالغ بر سیصد و شصت هزار تومان است و در هیچ سال (در این مدتی كه بنده در نظر دارم) بیش از سالی دوست الی دوست و چهل هزار تومان وصول نشده و این هم وصول را شاید آقایان تصور بفرمائید بواسطه بی مالیاتی مأمورین مالیه بوده و رعایا خیر اینطور نیست این بقایای لاوصولی فقط مالیات املاكی است كه از خشك سالی از بین رفته و فقط در كتابچه دولتی اسمی از آنها باقی است و اصل وجود خارجی ندارد و بعقیده بنده در سال اولی كه این آب با اصفهان بیاید شاید تمام مالیات جزو جمع اصفهان وصول خواهد شد و از يك دوست هزار تومان موهوم كه رعایا می خواهند سالی چهارده هزار تومان آنرا از بابت مالیات حساب كنند سالی صدوسى هزار تومان فایده دولت حكومت باشد ما نباید این نكته را هم فراموش كنیم كه دولت رعایت حال رعایای خودش را كه همه متفرق شده و در معادن فقط جنوب كار میکنند باید بنماید .

در صورتیکه آن بیچاره ها همه صاحب ملك و صاحب همه چیز بوده اند و اگر باز

هم يك مختصر چیزی داشتند هرگز به آن نقطه كه هوايش با هوای اصفهان خیلی فرق دارد و مخالف حفظ الصحه است و یقیناً در زحمت و ناخوشی هستند نمی رفتند و متواری نمی شدند البته وظیفه دولت است كه از اینها نگاهداری بكنند والا اگر چندی باین منوال بگذرد همه صورت هم خواهیم شد .

رئیس - جلسه را كه زودتر منعقد كردیم برای این بود كه شبها چندان امتداد نداشته باشد اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم نمایم جلسه آتی روز پنجشنبه سه ساعت بفروب مانده دستور هم اولاً بقیه شور اول همین لایحه كه الان مطرح بود ثانیاً بقیه شور در قانون شورای عالی معارف خواهد بود .

(مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك جلسه ۷۴

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه یازدهم حوت هزار و سیصد مطابق دوم رجب هزار و سیصد چهل مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

( صورت مجلس یوم سه شنبه ۹ حوت را آقای تدین قرائت نمودند )

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراض هست یا نیست ؟ ( ایرادی نشد )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . دستور امروز چنانچه گفته شد بقیه شور دوم در قانون شورای عالی معارف و شور اول در قانون الحاق رود كارون بزاینده رود است ولی چند فقره راپورت از کمیسیون بودجه رسیده كه مدتی است معطل و بلا تکلیف است اگر مخالفی نباشد بدو قرائت شود و در آن ها رأی گرفته شود بعد داخل دستور شویم يك فقره تقاضای وجه است از بابت سهم شركت دولت ایران در جامعه ملل نسبت نسبت سال ۱۹۲۱ و دیگری تقاضای شه هزار و شصت و شصت تومان كسری بابت قیمت مخبرات تلگرافی وزارت مالیه در این باب مخالفی نیست ؟ ( اظهار مخالفتی نشد )

و آقای سهام السلطان راپرت کمیسیون بودجه راجع بمخارج جامعه ملل را بمضمون ذیل قرائت نمودند . کمیسیون بودجه در جلسه دوم حوت ( ۱۳۰۰ ) خود لایحه مورخه ( ۲۰ ) برج دلدولت را راجع بسهم مخارج سالانه جامعه ملل راجع مطالعه در آورده و مبلغ يكصد و بیست و پنج هزار فرانك طلای سويس بابت سهم سنه ( ۱۹۲۱ ) را تصویب بنمایند ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است

مبلغ یکصد و بیست هزار فرانک طلاي سويس از بابت سهميه دولت عليه ايران از بابت مخارج سنه ( ۱۹۲۱ ) جامعه ملل بتوسط نماينده دولت عليه ايران پرداخت نمايد .

رئيس - در اين راپورت مغالفي هست چنانچه ؟ آقای ارباب کبخسرو ( اجازه )

ارباب کبخسرو ، بنده يك استوالي داشتم پيشنهادي دولت در اين موضوع راجع بدو سنه بود ولي در اين كميسیون بودجه يك سند را تصويب كرده خواستم به بينم كميسیون چه نظرياتي داشته كه در آن قسمت هيچ ذكری نكرده است ؟

سهام السلطان منشي كميسیون - چون سهم متعلق بسنه ۱۹۲۲ در جزو بودجه سنه آتیه وزارت خارجه تصويب شده بود در اينجا از آن ذكری نشده ولي مخارج سنه ۱۹۲۱ منظور نشده بود كميسیون بودجه بموجب اين راپورت جدا گانه تصويب كرده است و راجع بسنه ۱۹۲۲ مربوط ببودجه سنه آتیه گرديد كه جزو آن محسوب شود .

رئيس - آقای حاج شيخ اسدالله متغالفتد ؟

حاج شيخ اسدالله ، خير موافقم رئيس ديگر مغالفي نيست ؟ ( اظهاری نشد )

رئيس - باورقه رأي گرفته می شود آقایانی كه تصويب ميكند ورقه سفيد و آقایانی كه رد می كنند ورقه كبود خواهند داد .

( در اين موقع اخذ آرا بعمل بعمل آمد و آقایان بيان الدوله و سهام السلطان استخراج نموده بترتيب ذيل نتيجه حاصل شد )

عده حضار ( ۶۶ ) ورقه سفيد علامت قبول ( ۴۳ ) ورقه كبود علامت رد ( ۱۳ ) امتناع ( ۱۰ ) .

رئيس - عده حاضرین ۶۶ نفرند با ۴۳ رای راپورت كميسیون تصويب شد .

( اسامي قبول كنندگان )

آقایان بهار الملک - عبدالملك - شيخ ابراهيم رنجانی - ركن الملک - آصف الممالک مساوات ناظر العلماء منتصر الملک - مشار السلطنه - ارباب کبخسرو - وكيل - الملك - امير ناصر عماد السلطنه اصفهانی - صدر الاسلام ابهری - سردار مفتح - ميرزا محمد حسين صدرائی - اقبال السلطان - فهيم الملك - آقا ميرزا ابراهيم قی - قوام الدوله - حاج نصير السلطنه حاج ميرزا اسدالله خان - نظام الدوله ميرزا محمد

صادق طباطبائی حاج ميرزا تقی نائینی رئيس التجار - معتمد السلطنه - دكتور لقمان - صمصام السلطنه - سردار جنگ - نصير ديوان - حائری زاده - ميرزا سيد حسن كاشانی - سهام السلطان - بيان الدوله - سيد محمد تدین - فتح الدوله - عماد - السلطنه خراسانی - شيخ الاسلام محلاتی - امين الشريعه - غضنفر خان - امين التجار - وقار الملک

اسامي رد كنندگان

آقایان سردار معظم كردستانی - سيد يعقوب - حاج ميرزا علي محمد دولت - آبادی حاج ميرزا عبدالوهاب - سيد فاضل كاشانی - شيخ الاسلام اصفهانی - معفق - العلماء - مدرس - سليمان ميرزا - ميرزا طاهر یتنكابی - بيان الملك - آقا ميرزا هاشم آشتیانی - آقا ميرزا علي كازرانی رئيس - راپورت ديگر قرائت می - شود

( آقای سهام السلطان راپورت كميسیون بودجه را راجع به اعتبار وزارت ماليه برای مخابرات تلگرافی بمضمون ذيل قرائت نمودند )

در جلسه چهارم حوت ۱۳۰۰ كميسیون بودجه لايحه مورخه ( ۲۵ ) دلو را تحت مطالعه در آورده و ماده واحده پيشنهادی دولت را راجع باضافه اعتبار وزارت ماليه از بابت مخابرات تلگرافی سنه ماضيه بيچي تيل بمبلغ شش هزار و شصت و هفت تومان و نه قران و پنججاه دينار تصويب مينمايد .

رئيس - آقای ارباب کبخسرو ( اجازه )

ارباب کبخسرو - بنده نمی دانم اصلا اين پيشهاد چه موضوعی دارد و تصويب ما چه صورتی خواهد داشت برای اين كه بودجه سنه ماضيه هيچ به مجلس نيامده و صورت تفریغ بودجه هم هنوز تقديم مجلس نشده بعقیده بنده يك جزو از كل مخارجات سنه ماضيه را اگر در تحت اين عنوان مجلس تصويب كند يك ضررهائی گلی بما وارد خواهد كرد و بنده مخالفم چنين تصويبي شود و معمولا بايد صورت كل بمجلس شورای ملی بيايد آن وقت اگر کسی نظر موافقت يا مغالفي دارد اظهار خواهد داشت والا يك خرج جزئی از چند كرور خرجی كه در اين مملكت شده و ما بهيچ وجه از آن خبر نداريم در اينجا بايد بيايد و ما تصويب كنيم اين مطلب يك ضرر های اساسی برای ما برقرار خواهد كرد

سهام السلطان - منشي كميسیون چون در سنه گذشته برای مخابرات تلگرافی وزارت ماليه پانزده هزار تومان اعتبار تصويب شده بود در صورتی كه هر سنه

بيچي تيل وزارت ماليه بيست و يكهزار و شصت و هفت تومان و نه قران و پنججاه دينار مخابرات كرده اند و شش هزار و شصت و هشت و هفت تومان و نه قران و پنججاه دينار علاوه بر آن وجهی است كه در بودجه معين شده و چون وزارت پست و تلگراف برای اين بقيه سنه خرجی ندارد كه بحساب خودشان بگذارند لذا تصويب اين مبلغ را تقاضا كرده اند كه در جزو حساب خود محسوب دارند و الا چيز دستي داده نخواهد شد

رئيس - آقای محمد هاشم ميرزا متغالفتد ؟

محمد هاشم ميرزا - خير موافقم رئيس - آقای حاج شيخ اسدالله متغالفتد ؟

حاج شيخ اسدالله - موافقم رئيس - آقای ارباب کبخسرو ( اجازه )

ارباب کبخسرو - بنده اين جا خوانده ام كه اين مبلغ راجع به اعتبار مخابرات تلگرافی است كه وزارت ماليه داده شده است و توضيحاتی كه آقای مخبر دادند چيز تازه ای نبوده كه بنده را قانع كند بنده عرض می كنم اساساً اين يك حساب جاری بوده است كه دو وزارت خانه با هم داشته اند و تصويب مجلس در يك جزئی از اجزاء بودجه يك وزارت خانه كه هنوز بودجه كل آن بمجلس نيامده است نمی دانم مطابق چه قاعده خواهد بود كه مادر جزئیاتش مداخله كنيم ؟

رئيس - آقای محمد هاشم ميرزا ( اجازه )

محمد هاشم ميرزا - بنده عرض می كنم اين اعتراض را آقای ارباب می - فرمائيد مخارجی را كه از كلش خبر نداريم نبايد در جزئیات آن مداخله كنيم . بنده كاملاً منطقی نمی دانم چون ما موظف هستيم بجزو جزو مخارج مملكت رسيدگی كنيم حالا می خواهد در يك جزو آن باشد ياد هر هزار جزء آن و فعلا اين شش هزار و كسری كه يك جزء آنست بمجلس آورده اند ما نبايد آن را رد كنيم از برای اين كه تماس نيامده است علاوه تصويب اين مبلغ دلالت ندارد بر اين كه ما تمام بودجه بيچي تيل را تصويب كرده ايم و اين راهم عرض می كنم بر فرض كه ما رأي ندهيم وزارت پست و تلگراف اين مبلغ را از دفتر خودش خارج و از وزارت ماليه مطالبه خواهد كرد و وزارت ماليه هم خواهد پرداخت چه ما رأي بدهيم و چه ما رأي ندهيم و رأي دادن و ندادن آن برای ما هيچ ضرری نخواهد داشت ولي يك وظيفه كه از خصايس مجلس شورای ملی است نبايد از دست داد .

رئيس - آقای حاج ميرزا علي محمد متغالفتد ؟

حاج ميرزا علي محمد - بفرمائيد حاج ميرزا علي محمد - بفرمائيد

و يكهزار تومان و كسری مخارج تلگرافی وزارت ماليه شده می خواستم سؤال كنم كه آیا كميسیون بصورت جزه اين مخارج رسيدگی كرده و آن پانزده هزار تومان را تصويب كرده است كه حالا می خواهيد اين شش هزار تومان و كسری راهم تصويب كنيد يا خير ؟ اگر بفرمائيد اين يك مخارجی است كه نفش را هيئت دولت سابق تصويب كرد و نصف ديگرش را ما تصويب كنيم اين يك تصويب كور كور است كه ما نمی توانيم بآن رأي بدهيم و اگر اين پانزده هزار تومان تصويبي هيئت دولت است و فقط اين شش هزار تومان تصويب نشده بنده عرض می كنم ما از مخارج هيئت دولت سابق كور كور اند از هر چه اطلاعی نداريم و نمی توانيم مسؤليت آن را عهده دار شويم فقط مخارج تلگراف كه از تاريخ افتتاح مجلس بعد بود و ماليه تعلق گرفته است و در بودن مجلس مخابرات تلگرافی نموده صورت جزه را با كميسیون بيايد بياورند و همان مبلغ تصويب بايد بوزارت ماليه داده شود

ولي بدون اينكه اين رهايت مايش ما نمی توانيم بمخارجی كه كاپيه شده نوده اند رأي بدهيم

سهام السلطان منشي كميسیون كفرمودند رسيدگی بجزه اين شش هزار تومان شده جزء های آن مطابق تلگرافی است كه از طرف وزارت ماليه مخابره نشده و ما بهام صورت آن در وزارت ماليه فرستاده اند و تصويب كميسیون هم بموجب صورت هائی بود كه وزارت ماليه و وزارت پست و تلگراف بوده است و كلييه اعتباری كه دولت سنه بيچي تيل برای مخابرات تلگراف وزارت ماليه تصويب نمی شود پانزده هزار تومان بوده و علاوه بر آن مبلغی هم منظور شود بموجب صورتهای موجود در شش هزار و شصت و كسری تومان مخابرات تلگرافی شده حالا كه اداره تلگرافها خواهد صورت جمع و خرج خود را ارائه كند البته بايد اين خرج بموجب يك تصويب نامه يابك اجازه نامه باشد كه بتواند بوزارت بياورد و چون دولت بدون تصويب مجلس نمی تواند هيچ گونه خرجی را ارائه بدهد اين مبلغ را پيشهاد كرده است از طرف مجلس تصويب شود كه بخرج وزارت پست و تلگراف بيايد و هيچ پولی در اين داد و ستد نخواهد شد

رئيس - آقای حاج ميرزا علي محمد متغالفتد ؟

حاج ميرزا علي محمد - بفرمائيد حاج ميرزا علي محمد - بفرمائيد



باشند ؟

**هائری زاده** - مطالبی کمی خراستم  
هرض کتم آقایان گفتند.

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب  
مخالفت.

**آقا سید یعقوب** - خیر بنده

مواقف

**رئیس** - آقای فهیم الملک چه طور؟  
**فهیم الملک** - موافقم  
**رئیس** - آقای ارباب کیخسرو  
(اجازه)

**ارباب کیخسرو** - اینکه آقای معده  
هاشم میرزا فرمودند کمی توان جزء جزء  
را اینجا بیاورند و تصویب شود این یک چیز  
نازه است که بنده می شوم . قاعدتاً تفریح  
بوده اینطور نیست که صورت خرج یک  
وزارتخانه جزء جزء بیاید ولی ممکن است  
که قسمت بودجه هر وزارتخانه بکمرته  
بیاید و صحیح است نه اینکه بودجه یک وزارت  
خانه را جزء جزء بیاورند در هر صورت  
بنده بقیه خودم تصویب کمیسیون بودجه  
را مخالف قانون می بینم و به این جوابها  
قانع نمی شوم و تصور می کنم که اگر این  
شرح را تصویب کنیم دچار مضراتی خواهیم  
شد

**رئیس** آقای حاج شیخ اسدالله  
(اجازه)

**حاج شیخ اسدالله** - اولاً عرض  
می کنم که آقایان مسوق باشند که این رأی  
گداده می شود برای خاطر این نیست که  
یک پولی دولت بدهد یا یک خرجی بکند  
فقط برای یک معاسیه است که اداره تلگراف  
خانه می خواهد بحساب دولت محسوب کند.

و معمول این است که هر سال از طرف مجلس  
یا هیئت دولت بهر وزارتخانه برای مصارف

**تلگرافی** یک اعتباری داده می شود که در  
حدود آن اعتبار اداره تلگرافخانه مجاز است از

هر روزی بخواهد تلگرافات بگیرد و مقابله  
کند و در سنه بیچی نیل چون مجلس نبوده

مطابق تصویب نامه های صادره از هیئت  
**وزراء** تلگرافخانه تلگرافات وزارتخانه ها

ما را مقابله نموده و در معاسیه دولت محسوب  
می داشته و تلگرافخانه مثل یک طرفخانه

است که پول آن باید از روی حساب و  
ترتیب خرجش هم باید مرتب و صحیح باشد

و در سنه بیچی نیل یا نوزده هزار تومان اعتبار  
برای تلگرافات وزارت مالیه داده شده که

در حدود این مبلغ تلگرافخانه مقابله  
مالیه را قبول کند و در آخر سال وقتی مراجعه

کردند بحساب دیدند شش هزار و کسری  
اضافه تلگراف کرده اند .

در مقابل این مبلغ اداره تلگرافخانه  
باید سند خرج داشته باشد که در مورد حساب

می تواند سندی ارائه دهد در سابق که  
مجلس نبوده اگر کسری برای مقابله

مخالفت

مخالفت

مخالفت

مخالفت

مخالفت

مخالفت

تلگرافی پیدامی شد از هیئت دولت تصویب  
نامه صادر می کردند و برای اداره تلگراف  
خانه سند خرج می شد امروز که اداره  
تلگراف خانه می خواهد حساب خود را با  
دولت تفریح کند باید بگوید عمل تلگراف  
خانه این بود خرج این بود چون برای  
این شش هزار تومان سندی ندارد وزارت  
مالیه باید باو سندی بدهد که آنرا برای  
سند خرج خود نگاهدارد و با بودن مجلس  
دولت نمی تواند تصویب نامه صادر کند این  
است که مراجعه بحساب کرده اند که آن  
شش هزار تومان موهومی را که تلگرافات  
شده مجلس تصویب کند تا سند خرج تلگراف  
خانه باشد و اینکه آقای ارباب می فرمایند  
این حساب جزء است و صورت آنهم نیامده  
البته صورت جزء تمام مخارج را باید بحساب  
شورای ملی رسیدگی کند نه تنها بیچی  
نیل وزارت مالیه را بلکه بودجه تمام وزارت  
خانه ها در تمام دوره فترت باید مورد  
دقت قرار دهد و کمیسیون بودجه هم تمام  
این مذاکرات شده است اما امروز دست  
تلگراف در مقابل تلگرافاتی که کرده  
است سند خرجی می خواهد موی گویند سندی  
در مقابل تلگرافات بمن بدهد که بحساب  
خود بگذارم و این یک تقاضای نوق -  
العاده نیست و گمان می کنم در این موضوع  
مذاکرات زیادی لازم نباشد و بنده پیشنهاد  
می کنم که مذاکرات کافی باشد

**رئیس** - پیشنهاد آقای حاج شیخ  
اسدالله قبول شد ؟

( بعضی گفتند مذاکرات کافی است )

**سلیمان میرزا** - بنده مخالفم

**رئیس** - (خطاب سلیمان میرزا)

بفرمائید

**سلیمان میرزا** - اصلاً با این ترتیبی  
که این رایورت کمیسیون را نوشته اند به

لايه تفریح بودجه بیشتر شباهت دارد  
تا با اعتبار علی الغصوص توضیحات آقایان

محمد هاشم میرزا و حاج شیخ اسدالله بیشتر  
ثابت میکنند که این لایحه تفریح بودجه

است زیرا میفرمایند این پول مصرف شده  
و حالا اجازه بدهید به حساب بیاورند

پس این لایحه اعتبار نیست و یک لایحه  
تفریح بودجه است و خوب است بفرمایند

این یک جزئی است از لایحه تفریح بودجه  
سنه بیچی نیل که ما جمعی را ندیده ایم و

حالا میخواهیم یک جزء از آنرا تصویب  
کنیم والا لفت اعتبار یا چیزی که بصرف

رسیده ضد هستند مثلاً به بنده اعتبار  
میبندند که فلان پول را بعد از این خرج

کنم اگر در همان آن بنده بگویم قبلاً  
مصرف شده این عبارت معنی ندارد بنده

ملفت نمی شوم و همان طور که عرض کردم  
یک جزء از لایحه تفریح بودجه است از

طرف دیگر میفرمایند در این جا پولی مصرف

نشود . از این طرف بر میدارند با آن طرف  
می نویسند بودجه را هم که شمارای میدهد

یک رقمی است که در ستون بودجه می نویسند  
مقصود از این لایحه هم این است که شمارای

بدهد وزارت مالیه علاوه بر بودجه خودش  
شش هزار تومان و کسری که خرج کرده

ملت آنرا از جیب خودش بدهد و اما اینکه  
میفرمائید وزارت پست و تلگراف یک دفتر

مرتبی دارد این دلیل کفایت نمیکند برای  
تصویب این خرج البته هر وزارتخانه یک

اداره محاسبات و دفتر جمع و خرجی دارد  
و این یک ترتیبی نیست و برای پست و

تلگراف بنده تصور میکنم اگر مقصود  
لايه تفریح بودجه است فلان مقبر معترم این

چیزهایی را که اضافه بر بودجه است  
رد میکنیم و بگوئیم کسانی که مصرف  
کرده اند مسئول این کارند و باید بپردازند  
البته بعد از این اسراف کارها جلو  
گیری شده و این اول قسمی است که بقیه  
بنده باید برداشت و این خرج را رد  
نمود

**سهام السلطان** - منشی کمیسیون فرمودند  
این لایحه تفریح بودجه است بنده عرض میکنم  
لايه تفریح بودجه نیست و فقط یک سند  
خرجی است برای وزارت پست و تلگراف  
چون در سند بیچی نیل اعتبار تلگرافی  
وزارت مالیه یازده هزار تومان منظور  
شده بود و بعد که حساب کرده اند بیست و  
یک هزار تومان و کسری تلگرافات کرده اند  
در آنجا نه پولی گرفته شده و نه پولی  
داده شده یک تلگرافی بتلگراف خانه  
فرستاده اند و تلگرافخانه هم مقابله کرده  
و حالا اداره تلگرافخانه یک سند خرجی  
لازم دارد که باید از طرف وزارت مالیه  
بگیرد و از این گذشته باز هم بنده  
با تصویب این مبلغ مخالفم برای اینکه  
مامورین دیوانی و عمال مادر مخارج اسراف  
می کنند وقتی کمی گویند تلگرافات دولتی  
معانی است یک کاغذ احوال رسمی هم صمیمه  
تلگرافات میکنند هیچ ملاحظه ندارند که برای  
هر کلمه آن مبلغی از کیسه دولت پول خارج  
میشود و شاید بحساب خودشان باشند همان  
مطلب را که در دو سطر جا میدادند  
ولی وقتی که میخواهند بخرج دولت برای  
یک حکومتی یا یک امین مالیه تلگراف  
کنند شمار فردوسی را مثلاً در تلگرافات  
مقابله میکنند در خبر میخوانند بجهت این  
که پولش را خودشان ندیده اند و بحساب  
اهالی این مملکت بدبخت است وقتی این  
حسابها را روی هم بگذاریم در آخر سال  
می بینیم سالی شش هفت هزار تومان  
پول رجز خوانی وزارت مالیه را باید  
بدهیم و بهتر از این دلیل نیست که چند  
قره از این تلگرافات را در تحت مطالعه  
در آورید ببینید اسراف کرده اند یا خیر ؟  
باین جهت بنده با این لایحه مخالفم و هر کس  
این اسراف را کرده باید از جیب خودش  
بپردازد و اگر بفرمایند این پولی است  
خرج شده از کجا میشود گرفته؟ بنده این  
کلمه را نمی فهمم پس لایحه تفریح بودجه  
معنی چیست ؟ که پولی را که زیاد بر  
اعتباری که تصویب شده خرج کنند مأموری  
که مصرف کرده خودش مسئول آن پول  
است هر خرجی که در مجلس رد شد و  
تصویب نشد و باید آن مأمور از عهده  
بر آید و لااقل این مقدار احساس شود  
که مالیه مملکت را نمیشود اسراف کرد  
و تلگرافات هر بیض و طویل کرد و بگویند  
ما هر چه میخواهیم خرج میکنیم و بدهم  
و سکا رای میدهند مخصوصاً اگر ما

**رئیس** - آقای رئیس التجار مخالفید؟

**رئیس** - آقای نظام الدوله چه طور؟

**رئیس** - نظام الدوله مخالفم

**رئیس** - بفرمائید

**نظام الدوله** - مطالبی را که آقای  
حاج شیخ اسدالله فرمودند تصور می کنم همه

می دانند و چیز تازه نبود زیرا مقصود از این  
که یازده هزار تومان اعتبار بوزارت

مالیه می دهند این است که اضافه بر آن  
اعتبار حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

این که ممکن است یک وزارتخانه که  
بخواهد حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

این که ممکن است یک وزارتخانه که  
بخواهد حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

این که ممکن است یک وزارتخانه که  
بخواهد حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

این که ممکن است یک وزارتخانه که  
بخواهد حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

این که ممکن است یک وزارتخانه که  
بخواهد حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

این که ممکن است یک وزارتخانه که  
بخواهد حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

این که ممکن است یک وزارتخانه که  
بخواهد حق نداشته باشد بصرف برساند

و اگر این مطلب سابقه پیدا کند دیگر  
عنوان اعتبار بکلی از میان میرود و برای

که کلباش را بحساب آوردند این مسئله  
را هم تحت نظر بگذارند .  
**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب  
( اجازه )  
آقا سید یعقوب - بدو آقایان را  
متذکر می کنم بیانات آقای رئیس الوزراء  
حالا که در مجلس فرمودند ( من می  
خواهم در مدت زمانماداری خودم هر خرجی  
که می شود تصویب مجلس باشد ) بعد  
از آن که این اصل را این شخص بزرگ  
در مجلس اظهار کرد و ما هم قبول  
کردیم و همانطور که آقای مخیر بیان  
کردند وزارت پست و تلگراف می خواهد  
حساب خود را تفریح کند و از وزارت  
مالیه سند خرج می خواهد که بحساب  
خود بگذارد حالا اینکه حضرت والا  
فرمودند در تلگرافات رجز خوانی می شود  
خیر این خرج فقط متعلق بتلگرافاتی  
است که از وزارت مالیه بمانای مالیه  
در باب اخذ مالیات و غیره مقابله می شود  
و راجع بفردوسی و غیره نیست وقتی این  
مسئله معرز شد که این تلگرافات راجع  
است بوزارت مالیه و مالیه هم در این مدت  
مقارباتی کرده حالا که در دوره این  
رئیس الوزراء وزارت پست و تلگراف می  
خواهد تفریح حساب کند چه کار کند  
که تا سندی درست نداشته باشد که بتواند  
حساب کند اما این که آقای ارباب  
میفرمایند این خرج جزء بودجه است و  
هنوز بودجه را نیاورده اند بنده عرض  
میکنم مگر شما بودجه شش ساله دوره  
فترت را ملاحظه کرده اید و عملیاتی که  
در دوره فترت واقع شده بنظر شما آورده  
اند مگر ما مجبوریم عملیات دوره فترت را  
رسیدگی کنیم ( عده گفتند بلی ) بلی  
این طور فرمودید ولی باز همان وقت  
فرمودید این مطلب عملی نیست و صورت  
سازی می کنند ( عده گفتند خبر این طور  
نیست ) بهر حال ما باید قدمهای عملی  
برداریم و در امور مملکت باید طرف  
مثبت را گرفت نه طرف منفی را امروز باید  
قدم برای سعادت مملکت و راه انداختن  
چرخهای مثبت برداشت ما نباید بطرف  
منفی برویم برای آنکه در هوالمحدسیات  
خیلی چیزها میشود تصور کرد . غرض  
این این است که وزیر پست و تلگراف می  
خواهد تفریح حسابش را بکند و در سنه  
آتی از اول حمل بودجه را که مجلس تصویب  
میکند عمل کند برای آن که رئیس الوزراء  
گفته مادام که من رئیس الوزراء هستم  
عملیات من باید بتصویب مجلس شورای ملی  
باشد ، آن وقت ما بیاییم و بگوئیم این خرج  
را قبول نمیکند در صورتیکه نسبت بسهم  
شرکت جامعه ملل فوراً رای می دهیم ولی  
نسبت با چیزی که در تحت نظر خودمان  
و تحت نظر وزیری که با وطنیان داریم و

بافتاق باورای داده ایم در این جا  
اشکال تراشی می کنیم این بود  
هر ایش بنده .  
( گفته شد مذاکرات کافی است )  
**رئیس** آقای فهیم الملک که موافقت  
آقای آقا سید یعقوب هم موافق بودند و  
آقای نصیر السلطنه شاهم موافقت ؟  
نصیر السلطنه - بلی موافقم و هر ایش  
بنده را آقایان فرمودند .

**رئیس** . آقای محمد هاشم میرزا  
هم موافقت - آقای کازراتی چه طور ؟

آقا میرزا علی کازراتی - بنده  
مخالفم .

**رئیس** بفرمائید .

آقای میرزا علی کازراتی - آقای  
مخیر در ضمن بیاناتشان فرمودند که

یازده هزار تومان از این بیست و یک هزار  
تومان تصویب شده و شش هزار تومان  
باقی است که صورتش بحساب رسیده بنده  
عرض می کنم این یازده هزار تومان را

کی تصویب نموده و از کجا تصویب شده  
این شش هزار تومان هم بایستی فرستاده  
شود ( جمعی گفتند اینطور نیست )

مقصود بنده این است که آن یازده هزار  
تومان که هنوز بحساب نیامده هر وقت آن  
مبلغ آمد این راهم باد لایلی که دارم نصمیمه  
کنند و بحساب بفرستند مجلس هم یا  
تصویب میکنند یا رد میکنند .

**سهام السلطان** - بنده عرض  
نکردم تصویب شود گفتیم یازده هزار

تومان آن در جزء بودجه وزارت مالیه  
برای مقابله تلگرافی منظور شده بود  
چون این مبلغ برای مخارج تلگرافی  
آن وزارتخانه کفایت نکرده شش هزار

تومان و کسری اضافه تلگراف کرده اند  
و نظر باینکه وزارت پست و تلگراف برای  
این اضافه سند خرجی ندارد این است  
که بحساب فرستاده اند تا پس از تصویب  
بحساب خود بگذارند .

( گفته شد مذاکرات کافی است )  
**رئیس** رای گرفته میشود آقایانی  
که این ماده واحد را تصویب می کنند و روزه  
سفری می دهند والا و روزه که بود خواهند داد  
( در این موقع اخذ آراء شد و  
آقایان بیان الدوله سهام السلطان  
شد )

عده حضار ( ۷۱ ) و روزه سفید علامت  
قبول ( ۲۲ ) و روزه کیود علامت رد ( ۲۵ )  
امتناع کنندگان ( ۱۴ )

**رئیس** - بلا نتیجه ماند  
( اسامی قبول کنندگان )

آقایان منتصر الملک - مستشار السلطنه  
مدرس - صدرا - عبدالملک - حاج میرزا  
تقی خان - نصیر دیوان - محمد هاشم میرزا  
عبد السلطنه - سردار جنگ - اقبال السلطنه

آقا سید یعقوب - رئیس التجار - فهیم الملک  
عماد السلطنه - طباطبائی - آقای سید محمد صادق  
طباطبائی - آقا سید محمد تین - میرزا ابراهیم  
خان ملک آرائی - سهام السلطان - بیان الدوله -  
صدر الاسلام - بیری - سید کاظم امین الشریعه -  
ملک الشعراء - میرزا محمد نجات - عماد السلطنه  
خراسانی - سید فاضل کاشانی - سردار  
معظم کردستانی - غرض خان - حاج شیخ  
اسدالله - مجلانی - فتح الدوله - آقا میرزا  
هاشم آشتیانی  
( اسامی رد کنندگان )

آقایان ناظم العلماء - جلیل الملک  
حاج میرزا عبدالوهاب آقامیرزا علی کازراتی  
ارباب کیخسرو - نظام الدوله - قوام  
الدوله - حاج میرزا اسدالله خان - مودن  
السلطنه - حاج میرزا مرضی - سردار معین  
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - میرزا  
ابراهیم قی - بهاء الملک - حائری زاده  
رکن الملک - سلیمان میرزا - آصف -  
المالک - سید حسن کاشانی - بیان الملک  
شیخ الاسلام اصفهانی - میرزا ظاهر تنکابنی  
مسوات - امین التجار - محقق العلماء .

**رئیس** - مطلب دیگری که مدتی مانده فرائض  
میشود که جزو دستور گذاشته شود تا  
تکلیفش معین شود بعد داخل در دستور  
می شویم .

( پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو راجع  
بتغییر جشن اعطای مشروطیت از شهر قمری  
بیروج شمسیمضمون ذیل فرائض شد )  
نظر بتغییری که از شهر قمری حاصل است و اساس  
تاریخ صحیح آزادی مشروطیت را که از بزرگ  
ترین اعیاد ملی بشماراست تغییر میدهند و این  
تغییر منتهی بجائی شده که قهراً برای تهیه  
جشن فضای وسیع بهارستان در زمستان  
میدل و معدود بچند اطاق شده که از جهت  
عدم گنجایش باب آزادی و اشتراک عمومی  
را در این جشن بزرگ بروی اغلب بسته  
است علیهذا بنده پیشنهاد می نمایم مجلس  
شورای ملی موافقت و تصویب فرمایند که  
چون ( ۱۴ ) جمادی الثانیه ۱۳۲۴ تاریخ  
اعطای مشروطیت مطابق بوده است با  
چهاردهم برج سنه یوت نیل ۱۲۸۵ بدعا  
جشن اعطای مشروطیت و آزادی ملت  
ایران بلا تغییر هر ساله در چهاردهم برج اسد  
بر گذار شود

( بامضای ۴۸ نفر )  
**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله  
( اجازه )  
**حاج شیخ اسدالله** - اگر چه قیلاهم  
خود بنده این پیشنهاد را امضاء کرده ام  
لیکن حالا اشکالی بنظرم رسیده که می  
خواهم تذکر بدهم .

**رئیس** - موافقت یا مخالف ؟  
**حاج شیخ اسدالله** - عرض کردم  
با آنکه این پیشنهاد را بنده هم امضاء  
کرده ام ولی در این باب اشکالی بنظرم

رسید ....  
( صدای همه به بعضی از  
نمایندگان )  
**حاج شیخ اسدالله** - همه برای  
چیت ؟ بلی با آنکه پیشنهاد را بنده هم  
امضاء کرده ام حالا امضای خود را پس می  
گیرم و اظهار مخالفت می کنم اگر خلاف  
قانون است بفرمائید ؟ دیگر همه لازم  
ندارد عرض می کنم اگر چه راجع بسنواة  
در مجلس دوم مذاکره شد و رای داده  
که سال ایران باید شمس باشد و مطابق  
این راییکه داده شده می توان اعیاد را  
نسبت بسال شمس فرض کرد ولی در آن  
موقع اسمی از اعیاد نبردند و اعیاد ایام  
مصیبت را در ایران قمری بحساب می کنند  
بعین اینکه این کار اینطور معمول شده برای  
آن اشکالی است که ممکن است فراهم شود  
یعنی اعیاد ایام مصیبت ویا محرم و صفر  
تصادف کند و اگر این جشن مشروطیت را  
شمسی فرض کنیم آنوقت اجرای آن مشکل میشود  
این پیشنهاد برای این است که در تمام دوره  
سی و شش کمی گذرد و چند سال آن در زمستان  
واقع می شود آنوقت یکی دوسال از این  
سنواة که در زمستان واقع می شود مجبور  
می شوند در عبادت جشن بگیرند و قدری  
اسباب زحمت است .

اما اگر مطابق این پیشنهاد رفتار  
شود بنده تصور می کنم که اگر مصادف  
اشکالاتش زیاده تر می شود از این نقطه  
نظر بنده تصور می کنم همانطور که معمول است  
این جشن مجلس را قمری بگیرند تا دچار  
اشکال نشویم .

**رئیس** - آقای محمد هاشم میرزا  
( اجازه )  
**محمد هاشم میرزا** - بنده که  
یکی از پیشنهاد کنندگان هستم عقیده ام  
این است که این جشن مطابق سال شمس  
باشد و علاوه بر اینکه جاومحل تغیر نخواهد  
کرد عرض می کنم هر قدر ما در این جشن  
بر مسرت عمومی موفق شدیم بالاتر از عید  
نوروز که نخواهد شد و یک قسمت دیگر از  
فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله راجع  
باعیاد مذهبی بود و آنها هم قابل تغیر  
نیستند چنانچه عید فطر در آخر ماه رمضان  
است و ابدأ قابل تغیر نیست و همچنین عید  
غدیر و غیره و بالاخره اعیاد قدیمی غیر از  
اعیاد رسمی است و هیچ مناسبتی با یکدیگر  
ندارند و فرضاً در یک دوره سی و شش سال  
همانطور که هر وقت نوروز مصادف میشد  
بامام و مصیبت ما تزیینات مقدم می شاریم  
این عید هم وقتی مصادف شد با یام محرم  
و صفر روضه خوانی می کنند اینک فرمودند  
باشد ابدأ اینطور نبوده که در مجلس ما اختراعی  
کرده باشیم فقط ما فرار دادیم که دوسال



دوره تقنینیه ششمی باشد. حالا خوب است این جشن هم تابع همان باشد و مقصود بجا آوردن رسمی است برای اعطای مشروطیت فرقی نمی کند چه شمس و چه قمری باشد ولی صرفه در شمس است

**رئیس - آقای حائری زاده**  
موافقت؟

**حائری زاده - بلی**  
**رئیس - آقای ملک الشعراء**  
چطور؟

**ملک الشعراء - موافقت**  
**رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله**  
(اجازه)

**حاج شیخ اسدالله -** بنده اشکال خودم را عرض کردم و آقایان هم مسبوق شدند و زیاد هم اصرار نمی کنم دیگر بسته بنظر آقایان و یکی دیگر اصل قانون اساسی را می خواهم ببینید آیا این اسباب اشکال نمی شود؟ و آیا ممکن است بیرج شمس تغییر شود؟ این است

(اصل اول - مجلس شورای ملی بموجب فرمان ممدت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الاخر یک هزار و سیصد و بیست و چهار مونسو مقرر است) در این اصل تصریح کرده و تاریخ را قمری گرفته

حالا اگر این پیشنهاد مخالفتی با این اصل ندارد بنده مرضی ندارم و منوط برای آقایان نمایندگان محترم است

**رئیس - آقای ارباب کیخسرو**  
(اجازه)

**ارباب کیخسرو -** اولاً جواب آن اصلی را که آقای حاج شیخ اسدالله خواندند بنده يك اصل دیگری را می خوانم آنوقت که قانون اساسی را بیرون آوردند بنده ملتفت شدم که چه ایرادی می خواهند بگیرند. بنده هم اصل دیگری را حاضر کردم و میتوانم که صراحتاً تاریخ شمس را مقرر می شود (اصل هشتم - مدت تعطیل و زمان افتتاح مجلس شورای ملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شده) این اصل صراحتاً تاریخ شمس را مقرر می شود و جشن و افتتاح مجلس را معین کرده باضافه ما میخواهیم تاریخ گرفتن آزاد را بگیریم و آن چه شما فرمودید حل جزئی بود و هل کلی را مقرر نشدید اولاً خودنصل باید نشان بدهد که در چه فصلی آزادی گرفته شده و این خودش خیلی دشوار است و آن فصل باید معین شده شود آزادی گرفتن جزئی نیست و اما آن عید مذهبی که فرمودند از عید ملی و آزادی مجزی است علاوه فرمودند ممکن است با ایام عزای تصادف کند و نتوانیم عید بگیریم اهمیت ندارد آیا چه جزئی بالاتر از این است که خودتان می آیم بالای عمارت و مردمان

دیگر را نتوانیم راه بدهیم و حال تمام ملت باید حرکت کنند و اگر مشارکت نمیکنید نباید اختصاص بچند نفر داشته باشد (بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

**رئیس - آقای فهیم الملک** پیشنهاد کردند چهاردهم میزان معول شود

**محمد هاشم میرزا -** خوب است توضیح بدهند

**فهیم الملک -** اجازه میفرمائید توضیح بدهم؟

**رئیس -** بفرمائید

**فهیم الملک -** عرض از تغییر تاریخ قمری شمس برای این است که مردم از تصادف با ایام زمستان و سرما قدری راحت باشند بقیه دارم تصدیق میفرمائید حرارت چهاردهم اسد با برودت جدی و دلوا چندان تفاوتی ندارد حالا که میخواهند تغییر را بدهند خوب است بموجب اصل هشتم این قانون اساسی که مینویسد پس از تعطیل تابستان باید مجلس چهاردهم میزان که مطابق افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول عکار شود. در چهاردهم میزان جشن گرفته شود یعنی در موقعی که مجلس باید بعد از تعطیل تابستان منعقد شود و جشن گرفته شود و امید وارم قانون انتخابات جدیدی هم که از مجلس میگذرد و این اصل معزز و مدت کار مجلس معین شود که همه ساله از اول میزان افتتاح و پس از نهماء تعطیل شود بنابراین بنده پیشنهاد نموده ام همان ۱۴ میزان که در قانون اساسی ذکر شده معین شود که هم برای جشن گرفتن فصل متناسبی است و هوامتنال است و هم جشن اعطای مشروطیت و هم جشن افتتاح مجلس یکسریه گرفته میشود بعقیده بنده اینطور بهتر است

**رئیس - آقای ارباب کیخسرو**  
(اجازه)

**ارباب کیخسرو -** فرق است ما بین جشن افتتاح مجلس و جشن اعطای آزادی و مشروطیت. نمیدانم آیا در همین فصل نبود که همت مردم مقتضی گرفتن آزادی بوده؟ حالا هم فصل همان فصل مردمندان مردم هستند هیچ فرق ندارد و همان فصلی است که همت کردند و آزادی را گرفتند در همان فصل هم همت میکنند و جشن میگیرند. بعلاوه جشن افتتاح مجلس با جشن آزادی هیچ مناسبتی ندارد و تقاضا می کنم مسا نظور که در پیشنهاد خودمان تصریح شده و تاریخی که تاریخ صحیح آزادی است رای داده شود

**رئیس - آقای آقا سید یعقوب**  
مغایب؟

**آقا سید یعقوب -** بنده با آقای فهیم الملک مخالفم.

**ملک الشعراء -** بنده هم با آقای فهیم الملک مخالفم.

**رئیس - آقای آقا سید یعقوب**  
(اجازه)

**آقا سید یعقوب -** بنده خواستم با آقای فهیم الملک که فرمودند چهاردهم میزان موقع مناسب و فصل خوبی است بگویم که خوبی فصل دخیل نمیشود و مرض میکند که در همان فصل تابستانی که زحمت کشیدیم و در آن حرارت قلب الاسد آزادی را گرفتیم و چه قدر از اولاد ایران در آن فصل کشته شدند باید جشن هم در همان تاریخ گرفته شود ما باید در تاریخ این فصل را بیادگار بگذاریم که مردم در آتیه بدانند ما در چه فصل و چه موقعی آزاد را گرفته ایم و فدا کاری کرده ایم و در این فصل و این عید که یکی از اعیاد بزرگ و عید آزادی است جشن بگیرند چطور ما میتوانیم آنروزیکه زحمت کشیده ایم و فدا کاری کرده ایم آزادی گرفته ایم مبدل بروزی بکنیم که مجلس افتتاح میشود البته همان فصلی که مجاهدت شده بهتر است و باید در تاریخ ایران همین روز بیادگار باقی بماند

**رئیس -** رای میگیریم به پیشنهاد آقای فهیم الملک آقایانیکه پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام فرمائید (کسی قیام نمود)

**رئیس -** تصویب نشد. آقایانیکه پیشنهاد اول را تصویب میکنند قیام فرمائید (قریب با اتفاق قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد

شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه میفرمائید عرض مختصری دارم

**رئیس -** راجع بچه چیز است؟

شیخ الاسلام - يك تلگرافی از اهالی اصفهان راجع به منسوجات ایرانی رسیده بود و کمیسیون محترم هرايض درخواست کرده بودند در مجلس قرائت شود يك دقیقه بیشتر طول ندارد اگر اجازه میفرمائید قرائت شود

**رئیس -** در آخر جلسه قرائت بشود. قانون شورای عالی معارف مطرح است در جزء دوازدهم از ماده دوازدهم مذاکره میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

(۱۲) تصدیق مصلحت مملین و مملات و تهیه نظامنامه مخصوص برای ترفیع و تنزل رتبه یا عزل آنها و رسیدگی بشکایات رؤساء و ناظمین و معلمین مدارس دولتی در حدود وظایف اداری آنها

**رئیس -** در این جزء مخالفی هست یا نه؟

حاج میرزا عبدالوهاب - این قسمت يك کلمه کسر دارد باید نوشته شود و رسیدگی بشکایات از رؤساء و ناظمین

و غیره

مخبر - این اصلاح بی موقع است اگر لفظ (از) اضافه شود و نوشته رسیدگی بشکایات از رؤساء و ناظمین غیره مقصود این میشود که از رؤساء ناظمین اگر شکایتی برسد و حال این مقصود نیست و مقصود این است که رؤساء و ناظمین و معلمین از مقامات برود نسبت با اقداماتی که در باره آنها شده است شکایتی داشته باشند بشکایات بشورای عالی معارف شکایت کنند و عالی معارف هم بشکایات آنها رسید کند

**رئیس -** دیگر مخالفی نیست (گفته شد خیر)

**رئیس -** جزو سیزدهم مطرح است (آقای سهام السلطان بعضیون قرائت نمودند)

(۱۳) تعیین شرایط معصلین که در دولت بخارجه اعزام میشوند و نظارت و انتساب آنها.

**رئیس -** در این قسمت مخالفی نیست

**رئیس -** جزء چهاردهم (شرح ذیل قرائت شد)

(۱۴) رسیدگی به دیپلم اشخاصیکه در خارجه تحصیل کرده اند

**رئیس - آقای ارباب کیخسرو**  
(اجازه)

ارباب کیخسرو - اینجا خوب است مخبر توضیح بدهند مقصود از این چیست؟ اگر مقصود از رسیدگی به صحت دیپلمهاست بنده پیشنهاد میکنم صحت اضافه شود که بعد حاجت بشیر است. مقصود از رسیدگی اینست که شورای عالی معارف معتمد سقم آنرا تصدیق کند ولی عبارته این مقصود کافی است و گمان میکنم کردن کلمه صحت چندان لزومی ندارد چون نتیجه صحت و سقم دیپلمهاست

**رئیس - آقای ارباب کیخسرو**  
(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده عرض از نقطه نظر اینکه بعد ما سوء نتیجه مقصود از رسیدگی نظریه دیگری است در ماده قید شود و حالا که آقایان بفرمائید البته مقصود از رسیدگی صحت آنها است خوب است قید که از حالا جلو ضرر آتیه را بگیرند آینه اسباب اشکال نشود

مخبر - فرضاً اگر آقایان بفرمایند قبول کنند که کلمه صحت اضافه شود از کلمه دیپلم نمیتوان اضافه کرد هرگز مقصود را نمی بیند

است در آخر نوشته شود (و تصدیق بصحت آنها) حالا اگر آقایان این جزء را قبول بفرمائید بنده دیگر مرضی ندارم

**رئیس - آقای محمد هاشم میرزا**  
مغایبند؟

محمد هاشم میرزا - اگر این مطلب اضافه شود خیر

**رئیس - (خطاب بمخبر)** اضافه میکنید؟

مخبر - بلی جمله (تصدیق بصحت آنها) در آخر اضافه میشود

**رئیس - آقای آقا سید یعقوب**  
(اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده مخالفم و عرض میکنم کمیسیون معنایی که برای این جرم در نظر گرفته این بود که این اشخاص که در خارجه تحصیل کرده اند و میبایند و میگردند ماد کتر فلان هستیم یا چه هستیم این معنی که باید بفهمد که راست میگوید و آن مقام را طی کرده اند یا نه؟ (تعیین شرایط معصلین که در دولت بخارجه اعزام میشوند و نظارت و انتساب آنها.)

**رئیس -** در این قسمت مخالفی نیست

**رئیس -** جزء چهاردهم (شرح ذیل قرائت شد)

(۱۴) رسیدگی به دیپلم اشخاصیکه در خارجه تحصیل کرده اند

**رئیس - آقای ارباب کیخسرو**  
(اجازه)

ارباب کیخسرو - اینجا خوب است مخبر توضیح بدهند مقصود از این چیست؟ اگر مقصود از رسیدگی به صحت دیپلمهاست بنده پیشنهاد میکنم صحت اضافه شود که بعد حاجت بشیر است. مقصود از رسیدگی اینست که شورای عالی معارف معتمد سقم آنرا تصدیق کند ولی عبارته این مقصود کافی است و گمان میکنم کردن کلمه صحت چندان لزومی ندارد چون نتیجه صحت و سقم دیپلمهاست

**رئیس - آقای ارباب کیخسرو**  
(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده عرض از نقطه نظر اینکه بعد ما سوء نتیجه مقصود از رسیدگی نظریه دیگری است در ماده قید شود و حالا که آقایان بفرمائید البته مقصود از رسیدگی صحت آنها است خوب است قید که از حالا جلو ضرر آتیه را بگیرند آینه اسباب اشکال نشود

مخبر - فرضاً اگر آقایان بفرمایند قبول کنند که کلمه صحت اضافه شود از کلمه دیپلم نمیتوان اضافه کرد هرگز مقصود را نمی بیند

مقصودش معین نیست که آیا رسیدگی به همه اشخاصی است که بفرج دولت بخارجه میروند یا اشخاصی است که بفرج خود بروند؟ اگر مقصود کسانی است که بفرج خودشان میروند چه مربوط بشورای عالی معارف است که رسیدگی بدیپلم بکنند و اگر راجع باشخاصی است که بفرج دولت میروند باید قید شود که مقصود معلوم باشد

**مخبر -** بنده در این قسمت برعکس عقیده دارم چون آن اشخاصی که بفرج دولت تحصیل کرده اند چون در تحت نظر مستقیم دولت و یک نفر سرپرست که از طرف دولت معین می شود هستند دیپلم آنها چندان محتاج بر رسیدگی نیست بلکه دیپلمهای اشخاصی که بفرج خود رفته و تحصیل کرده اند لازم رسیدگی است برای اینکه در تحت نظر دولت تحصیل نکرده و از خارج که وارد میشوند يك دیپلمهایی همراه خود می آورند البته در مواقع لازمه مدرک ایشان همان دیپلم است و باید شورای عالی معارف رسیدگی کند که آیا این دیپلم را غیر از مجرای حقیقی گرفته اند یا خیر؟ و تشخیص صحت و سقم آن را بدهد و ببیند که آیا این دیپلم حقایق است این شخص رسیده است یا جعلی است و معلوم است رسیدگی بدیپلم هم در موقع احتیاج است نه اینکه شورای عالی معارف بشواید سمت مدعی عمومی بخود بدهد و اعلان که هر کس دیپلم دارد و بیاورد و اینجا نشان بدهد و این رسیدگی در مواقع لازمه است که دیپلم باید مدرک شخص باشد مثلا در موقعی که دولت چند نفر دیپلمه برای فلان امر لازم دارد باید شورای عالی معارف بدیپلم آنها رسیدگی کند.

**رئیس - آقای فتح الدوله** مخالف هستید؟

**فتح الدوله -** با اصل ماده موافقت هستم.

**مخبر -** عرض کردم نتیجه رسیدگی شورای معارف این است که دیپلمها را یا تصدیق کند یا رد کند و قسمتی را هم که بنده در تعقیب بیانات آقای ارباب کیخسرو اظهار کردم بهمین نظر بود حالا برای این مقصود اگر يك تا کیدی در عبارت شود یا نشود باز بعقیده بنده مساوی است ولی برای اینکه در آتیه باز محتاج بشیرت و تاویلات نشود اضافه کردیم (تصدیق بصحت آنها) در آخرین باین جزء عیبی ندارد فقط از نقطه نظر تا کید است والا برای اثبات معنی چندان اهمیت ندارد

**رئیس (خطاب بمخبر)** بالاخره ضمیمه میکنید یا باید رای بگیریم

**مخبر -** ضرر ندارد

**مخبر -** این قسمت را بنده واگذار میکنم برای آقایان چون از طرف کمیسیون نمیتوان اظهار عقیده بکنم

**رئیس - آقای عماد السلطنه**  
(اجازه)

عماد السلطنه - این فقره چهاردهم

رسمی مدارس رسمی آن است که مستقیماً در تحت نظر دولت اداره می شود غیر رسمی آن است که مؤسس خاصی دارد در ایران چون محل تصدیق دیپلمها معین است و آن وزارت معارف است بعد از آن که هیئت متعنه امتحان کردند و تصدیق کردند راپورت خودشان را بمقام وزارت تقدیم می کنند وزیر معارف و رئیس کل معارف و رئیس مدرسه باید آن دیپلم را امضاء کنند باین جهت چون در ایران دیپلم معین رسیدگی دارد و دیگر لازم رسیدگی شورای عالی معارف نیست اما مدارس غیر رسمی که صورت پیدای می کنند اگر چنانچه چه امتحانی که آنجا واقع می شود در تحت نظر نماینده وزارت معارف باشد آن هم حکم تصدیق نامه دولتی را دارد و اگر در حضور نماینده وزارت معارف نباشد رسمیت ندارد و در جاهایی که باید بآن ترتیب اثر بدهند نخواهند داد و در مرکز چون وزارت معارف هست و در ایالات و ولایات هم ادارات و روسای معارف هستند که دیپلم یا تصدیق نامه را رسیدگی و امضاء میکنند دیگر مغایر بقیه دیپلمهای داخله نیست

**رئیس - آقای عماد السلطنه**  
خراسانی.

(اجازه)

عماد السلطنه - این توضیحی که آقای مخبر در خصوص این ماده دادند با این ماده موافق نمی دهم بنابراین بنده يك پیشنهادی نوشته و تقدیم کردم.

**رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله** موافقت هستید؟

**حاج شیخ اسدالله** عرضی دارم

**رئیس -** موافقت یا نه؟

**حاج شیخ اسدالله** عبارته اصلاح لازم دارد.

**رئیس - آقای مدرس**  
(اجازه)

مدرس - بنده باین توضیح آقای مخبر قانع نشدم بلکه فرمایاشان بیشتر مویب شد کالفاظ داخله را هم باید اضافه کرد برای این که مدارسی که در تحت نظر وزارت معارف است با مدارس ملی البته دارای دیپلم و تصدیق نامه خواهد بود و همان قسمی که فرموده اند دیپلمهایی که از مدارس خارجه صادر شده شورای عالی معارف باید در آن ها نظر کند چرا نباید بدیپلمهایی که از مدارس داخله خودمان داده شده نظر نکند خصوصاً آن هائی که در تحت نظر وزارت معارف نیست در این صورت چه عیب دارد که دیپلمهای داخله هم بنظر شورای عالی معارف برسد و در تحت نظر او باشد و ترتیب اثر با داده شود. لهذا عرض می کنم اگر لفظ داخله هم اضافه شود انفع خواهد بود.

**مخبر -** عرض میکنم يك نظامنامه

امتحانی قبلاً معین شود در همین لایحه قانون شورای عالی معارف هم در یکی از مواد معین شده و تصویب هم شد که دستور امتحان شاگردان را شورای عالی معارف باید بدهد و ضمیمت امتحان تا کتون اینطور بوده است که وقتی وزارت معارف می خواهد امتحان کند عموم مدارس اعم از ملی یا دولتی می کند که هر مدرسه فارغ التحصیل آخر دوره ابتدائی دارد بفرستد امتحان بدهند و این موضوع چندین سال است معمول شده و همه ساله عده زیادی برای امتحان از کلیه مدارس ملی دولتی در وزارت معارف می روند و امتحان می دهند و آن هائی که امتحانشان قبول می شود بآنها از طرف وزارت معارف تصدیق داده می شود و در آن نظامنامه امتحان ممکن است مقصود آقا بعمل آید باین ترتیب که اگر کسی شکایتی از امتحانات و هیئت متعنه داشته باشد مرجعش را شورای عالی معارف قرار دهند و البته اگر شکایتی نداشته باشند و آن تصدیق نامه ها هم مجاری خودش راطی کرده و شاکرند اهم از دولتی یا ملی بیاید و تصدیق بگیرد تصور می کنم لازم نباشد يك معنی برای رسیدگی بدیپلم داخله لازم باشد الا آنکه بگوئیم اگر يك مورد شکایت از دیپلمی شد شورای عالی معارف حق رسیدگی خواهد داشت و با اگر از مقامات رسمی در موضوع دیپلم شکایتی شد شورای عالی رسیدگی کند و این يك موضوع دیگری است.

**رئیس -** مذاکرات کافی نیست؟

(جمعی گفتند کافی است)

**رئیس -** چند فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود.

(آقای سهام السلطان پیشنهادات مزبور را بضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم در آخر جزء چهاردهم از ماده دوازدهم این جمله مزید شود و تصدیق بصحت آن ها ارباب کیخسرو.

(بنده جزء چهاردهم را این قسم پیشنهاد می کنم رسیدگی بصحت و تصدیق دیپلمهای اشخاصی که در خارجه تحصیل کرده اند)

سید الملک (این بنده قسمت چهاردهم را این قسم پیشنهاد اصلاح می نمایم رسیدگی بدیپلمهای اشخاصی که در خارجه تحصیل کرده اند و تشخیص صحت و سقم آن ها مستشار السلطنه - بنده این پیشنهاد را عرض کردم.

**رئیس -** آن پیشنهاد دو مطلب دارد و باید جدا جدا رای گرفته شود. همینطور که نوشته اید بهتر است بعلاوه







پیدا نماید بقیه بنده لزومی ندارد و هیچ مانعی نخواهد بود موقتی که شورای دولتی تشکیل می شود اگر در جزو وظایف تصویب این قبیل نظام نامه باشد نظام نامه شورای عالی را هم ببرند و تصویب شورای دولتی برسانند بنا بر این بنده لزومی در ذکر این قسمت نمی بینم برعکس تصور میکنم اگر آقای فهیم الملک جدیدی فرمودند و لایحه آن را پیشنهاد می کردند شاید عملی تر باشد

رئیس - آقای زنجانی ( اجازه )

**زنجانی** - بنده این قسمت را تصحیح نمی دانم نظام نامه داخل شورای عالی معارف هیچ ربطی به هیئت وزراء ندارد هر مجدی باید نظام نامه داخلی خود را خودش بنویسد حتی بقیه بنده وزیر معارف کنی تواند در آن دخالت نماید زیر نظام نامه داخلی ساعت قیام و حضور اعضاء را معین نماید ولی مراد از این نظام نامه است که طرز اجرای وظایف قانونی شورای معارف را معین نماید بنا بر این بایستی لفظ داخلی را حذف نمود و فقط نظام نامه تنها نوشت

رئیس - آقای فهیم الملک ( اجازه )

**فهیم الملک** - اولاً نسبت به فرمایشات آقای زنجانی نظام نامه داخلی اینطور که ایشان فهمیده اند نیست بلکه نظام نامه داخلی طرز اجرای قانون را بیان می نماید و همان ساعت حضور و قیامی را که ایشان فرموده اند از این نمیشود قائل شد که بدون تصویب مقام بالا تری باشد زیرا ممکن است آنها در خانه هایشان بنشینند و کار کنند بنا بر این باید نظام نامه تصویب وزیر معارف و مقامات عالی تری برسد اما راجع به فرمایشات آقای مخبر ایراد بنده راجع به تقصیر عبارتی برای این بود که در جزو قسمتهای مختلف این قسمت هم نوشته شده بود ولی در صورتیکه یک ماده علیحده نوشته شود آن هیچ را ندارد اما اینکه فرمودند چون شورای دولتی وجود ندارد باینجهت اسمش را هم نباید برونده مخالفم زیرا در قانون اساسی از ابتدای انتهی تمام قوانین را موکول به تصویب مجلس شورا و مجلس سنا نموده و بعد در یک ماده تصریح میکنند که تاوقتی که مجلس سنا تشکیل تصویب مجلس شورای ملی کافی خواهد بود و ابتدا ملاحظه نکرده اند که چون مجلس سنا موجود نیست پس نباید اسم او هم برده شود بنا بر این اول باید تعیین نمود که قوانین باید چه مقاماتی را طی کند و امری را که بنده راجع باضامه شدن تصویب شورای دولتی در این قسمت دارم برای این است

هائطور که آقای مخبر فرمودند بنده چندی دارم که قانون شورای دولتی از مجلس بگذرد چنانکه در کابینه سابق که این مسئله در جزو پروگرام دولت نوشته شده بود بنده خودم مداخله داشتم و قانون شورای دولتی هم تهیه شده است و ممکن است بعد از اینکه کابینه فعلی تجدید نظری در آن نمود تقدیم مجلس بشود بنا بر این بقیه بنده ممکن است نظام نامه داخلی ادارات اجرای آن را بهمان وزارت خانه مربوطه رجوع نمود حتی تصویب هیئت وزراء هم کافی نیست بلکه باید تمام این نظام نامه ها بیک هیئتی که صلاحیت دارد و مداخله هیچ یک از ادارات و سمت قانونی دارد رجوع شود تا از روی کمال بی طرفی و از نقطه نظر صلاح مملکت آنها را تصویب نماید علاوه باید بشکایاتی که از معاکم اداری و از مأمورین اجرای قوانین میرسد رسیدگی نماید و محل صلاحیت دار برای این امور همان شورای دولتی است و تا وقتی که این شورا تشکیل نشود از جریان امور ادارات و تشکیلات و عدم توجه به فریاضی متظلمین همیشه باقی است بهمین جهت بنده اصرار دارم در قوانینی که مینویسم مرجع رسمی آنرا شورای دولتی قرار دهم موقتی که شورای دولتی تشکیل میشود قوانین به آنجا رجوع شود علاوه در قانون دیوان محاسبات هم اشاره شده است که رسیدگی باحکام صادره از دیوان محاسبات با شورای دولتی است در صورتیکه هنوز شورای دولتی تشکیل نشده بنظر یکی از کارهائی هم که باید بشورای دولتی رجوع شود رسیدگی باحکامی است که از شورای عالی معارف صادر میشود و همچنین نظام نامه آنجا باید بشورای دولتی رجوع شود بنا بر این هیچ عیبی نخواهد داشت که مادر این قانون اشاره ننمایم که نظام نامه شورای عالی معارف بایستی تصویب شورای دولتی برسد منتهی در آخر قید کنیم تا موقعیکه شورای دولتی تشکیل نشود تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود و بقیه بنده این مسئله هیچ نقصی برای قانون نخواهد بود

رئیس - آقای فهیم الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده با زحمتی رأی شورای عالی معارف حذف این ماده را خواستار میشوم زیرا این وظیفه یکی از آن وظایفی خواهد بود که بدون اینکه هیچ قایده نداشته باشد یک کار فوق العاده برای شورای معارف تولید و بهتر خواهد نمود . شورای عالی معارف مرکب از ده عضو میباشد و باید وظایف خیلی زیادی که چندین صفحه این قانون را شامل است انجام دهد و وظایف هم از قبل رسیدگی بکتاب و تطبیق آنها با پروگرام تهیه پروگرام مدارس متوسطه و عالی به بالاخره یک وظایفی که تمام مدت بیست و چهار ساعت یک هیئت ده نفری را اشغال خواهد کرد حالا هم علاوه بر تمام این کارها رسیدگی بشکایات که از ولایات میرسد به شورای عالی معارف معول ننمایم یعنی شورای عالی را یک محکمه استیضاحی قرار دهم بنده این

دولتی و تصویب هیئت وزراء بوقوع اجراء خواهند گذاشت تا زمانی که شورای دولتی تشکیل نشده است فقط تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود

رئیس - آیا این پیشنهاد را کمیسیون می پذیرد یا خیر؟

مخبر - سابقاً هم این پیشنهاد به کمیسیون رجوع شد ولی کمیسیون نپذیرفت رئیس - رأی میکنم آقایان که پیشنهاد آقای فهیم الملک را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

عده قلبی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه نشده جزو نوزدهم بهضمون ذیل قرائت شد

۱۹ تجدید نظر در احکام صادره از شوراهای معارف ایالات و ولایات

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

این همه وقت را شورای عالی از کجا خواهد آورد بقیه بنده باید در نظام نامه هائی که شورای عالی معارف برای شورای ایالات و ولایات معین خواهد کرد تکالیف آنها را قلمرو خودشان مسائلی را آنها بتوانند در قلمرو خودشان مسائلی را که راجع به معارف است حل و فصل نمایند تا شکایاتی که بطهران میرسد بشورای عالی معارف رجوع نشود ولی اگر این امر بشورای عالی معارف رجوع شود چنانکه عرض کردم وقت زیادی را بیهوده مشغول خواهد کرد و علاوه این شورای معارفی که در طهران تشکیل میشود مرکب از اعضائی خواهد بود که اغلب اطلاعاتی راجع به معارف ایالات ندارند و البته شوراهای جزء بیشتر بصیرت باحوال قلمرو خواهند داشت و شاید احکامی را که صادر میکنند که نظر به هائی را که اتخاذ میکنند از احکامی که شورای مرکزی صادر مینماید مؤثرتر باشد

رئیس - اگر مجلس موافق است بقیه مذاکرات ببعد از تنفس معول شود

**مخبر** - پس اجازه فرمائید بعد از اتمام ماده دوازدهم تنفس شود

رئیس - عده اخلاصیکه اجازه خواسته اند زیاد است

( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی ( اجازه )

جزو نوزدهم از ماده بطور کلی مینویسد تجدید نظر در احکام صادره از شورای معارف ایالات و ولایات و معلوم نیست که مقصود کلیه احکامی است که از شورای معارف صادر میشود یا فقط احکامی که نسبت به آنها شکایتی میرسد البته نظر بکمیسیون همان احکامی است که از آنها شکایات میرسد و بهین نظر است که بنده این عبارت را برای ایفای این مقصود کافی نمیدانم و پیشنهادی هم در این موضوع تقدیم کرده ام

**مخبر** - مقصود از جزء نوزدهم این است که هر گاه شکایاتی از احکامی که از شورای ایالات و ولایات صادر میشود برسد مرجع رسیدگی آن شورای عالی معارف خواهد بود و شورای معارف بایستی در آن احکام تجدید نظر نماید و عبارت هم دلالت بر این نمیکند که هر حکمی از شورای ایالات و ولایات صادر می شود رسیدگی نماید

رئیس - آقای مستشار السلطنه ( اجازه )

**مستشار السلطنه** - بنده بهینطور

این قسمت اول قدری توضیح را قائل بودم در این قسمت هم همین طور توضیح قائل میشوم در قسمت نوزدهم مینویسد تجدید نظر در احکام صادره از شورای ایالات و ولایات و بقیه بنده مقصود این است که اگر حکمی صادر شد رسیدگی نمود اگر صحیح است قبول والا رد نماید بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم و استدعا میکنم که آقای مخبر قبول فرمایند که در ذیل این جمله نوشته شود تجدید نظر و تخصیص صحت و سقم احکام صادره از شورای معارف ایالات و ولایات

رئیس - آقای فهیم الملک ( اجازه )

**فهیم الملک** - بنده با فرمایشات آقای مستشار السلطنه مخالفم مینماید فقط از نقطه نظر ترجمه زبانی کار اعضاء شورای عالی بایستی این ماده حذف شود بقیه بنده نمیشود در قانون این قبیل چیز هارا مدرک قرارداد تجدید نظر در احکام صادره از شورای ایالات و ولایات یکی از وظایف حتمی و تکالیف مهم شورای معارف است زیرا همانطور که رسیدگی بشکایات معلمین مدارس و غیره از وظایف شورای عالی است همانطور هم نمیتوان قائل شد که احکامی که از شورای معارف صادر میشود تجدید نظر بشود بلکه بقیه بنده هر قدر هر حکم از روی صحت باشد باز باید تجدید نظری در آن بعمل آید و البته مانع شورای ایالات و ولایات همان شورا عالی مرکز خواهد بود آنجا بایستی تجدید نظر نمایند . حالا اگر میخواهید بفرموده آقای وحید الملک کلیه احکام صادره را همویت ندهند ممکن است مخصوصاً قید شود احکامی که طرف مقابل از آنها شکایتی داشته باشند تا معلوم بشود فقط حق رسیدگی باحکامی دارند که تقاضای رسیدگی نسبت بآنها شده باشد والا اساساً تجدید نظر بایستی قید شود

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی مخالف هستم

**عماد السلطنه** - بنده پیشنهادی کرده ام

رئیس - آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب** - بنده با ماده موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی مخالفند؟

**حاج میرزا علی محمد** - خیر موافقم

رئیس - مخالفی نیست سه فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود ( بهضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ( ۱۹ )

مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

بنده این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده با زحمتی رأی شورای عالی معارف حذف این ماده را خواستار میشوم زیرا این وظیفه یکی از آن وظایفی خواهد بود که بدون اینکه هیچ قایده نداشته باشد یک کار فوق العاده برای شورای معارف تولید و بهتر خواهد نمود . شورای عالی معارف مرکب از ده عضو میباشد و باید وظایف خیلی زیادی که چندین صفحه این قانون را شامل است انجام دهد و وظایف هم از قبل رسیدگی بکتاب و تطبیق آنها با پروگرام تهیه پروگرام مدارس متوسطه و عالی به بالاخره یک وظایفی که تمام مدت بیست و چهار ساعت یک هیئت ده نفری را اشغال خواهد کرد حالا هم علاوه بر تمام این کارها رسیدگی بشکایات که از ولایات میرسد به شورای عالی معارف معول ننمایم یعنی شورای عالی را یک محکمه استیضاحی قرار دهم بنده این

مجلس سنا نموده و بعد در یک ماده تصریح میکنند که تاوقتی که مجلس سنا تشکیل تصویب مجلس شورای ملی کافی خواهد بود و ابتدا ملاحظه نکرده اند که چون مجلس سنا موجود نیست پس نباید اسم او هم برده شود بنا بر این اول باید تعیین نمود که قوانین باید چه مقاماتی را طی کند و امری را که بنده راجع باضامه شدن تصویب شورای دولتی در این قسمت دارم برای این است

رئیس - پیشنهاد آقای فهیم الملک قرائت میشود

بهضمون ذیل قرائت میشود

بنده پیشنهاد میکنم که جزو ۱۸ از ماده ۱۲ حذف شود بطور ماده ۱۴ عبارت ذیل در آخر اضافه شود

ماده ۱۴ - شورای عالی معارف نظام نامه داخلی خود و شعب ایالات و ولایات را تهیه نموده و پس از مشاوره شورای

این قسمت اضافه شود در آخر ماده ( در صورتیکه شکایاتی رسیده ) محمد هاشم میرزا

جزء ( ۱۹ ) از ماده ( ۱۲ ) شرح ذیل پیشنهاد مینماید :

تجدید نظر در احکام صادره از شورای معارف ایالات و ولایات که بشورای عالی معارف شکایت میشود . عماد السلطنه

این بنده قسمت ( ۱۹ ) وظایف شورای عالی معارف را این قسم پیشنهاد اصلاح مینمایم .

تجدید نظر و تخصیص صحت و سقم احکام صادره از شورای معارف ایالات و ولایات مستشار السلطنه

رئیس - گویا مقصود آقایان خوب است توضیح بدهند

**عماد السلطنه خراسانی** - بنده پیشنهادی که کرده ام مقید نمودم که اگر شکایاتی رسید رسیدگی کند در صورتیکه پیشنهاد آقای مستشار السلطنه بطور کلی است خود آقای مخبر هم ماده را مطابق پیشنهاد بنده تفسیر کرده اند و در صورتیکه قبول کنند خوب است پیشنهاد بنده بساده اضافه شود

رئیس - پیشنهاد جناب عالی دارای دو قسمت بود یک قسمت آن بایشهاد آقای مستشار السلطنه مطابق است . آقای مخبر در اینخصوص چه میفرمایند

**مخبر** - بنده این پیشنهاد را نمیتوانم قبول نمایم

رئیس - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه چهار ؟

**مخبر** - در پیشنهاد ایشان جمله تخصیص صحت و سقم اضافه شده است و گمان میکنم لفظ تجدید نظر هم همان معنی را دارد و اگر الفاظ را زیاد تغییر بدیم از صورت ادبی خارج میشود

رئیس - آقای مستشار السلطنه ( اجازه )

**مستشار السلطنه** - آقای مخبر تصدیق می فرمائید که مفهوم عبارت پیشنهاد بنده با عبارت این قسمت فرقی ندارد ولی اضافه کردن ادبی نیست بنده عرض میکنم چه عیب دارد این قسمت را هم اضافه نمایم تا در اذهان مفهوم دیگری پیدا نماید و بنده اضافه تخصیص صحت و سقم احکام را لازم میدانم

رئیس - رأی میکنم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که اصلاح آقای مستشار السلطنه را قابل توجه میدانند قیام نمایند

رئیس - مخالفی نیست سه فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود ( بهضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ( ۱۹ )

مجلس سنا نموده و بعد در یک ماده تصریح میکنند که تاوقتی که مجلس سنا تشکیل تصویب مجلس شورای ملی کافی خواهد بود و ابتدا ملاحظه نکرده اند که چون مجلس سنا موجود نیست پس نباید اسم او هم برده شود بنا بر این اول باید تعیین نمود که قوانین باید چه مقاماتی را طی کند و امری را که بنده راجع باضامه شدن تصویب شورای دولتی در این قسمت دارم برای این است

رئیس - پیشنهاد آقای فهیم الملک قرائت میشود

بهضمون ذیل قرائت میشود

بنده پیشنهاد میکنم که جزو ۱۸ از ماده ۱۲ حذف شود بطور ماده ۱۴ عبارت ذیل در آخر اضافه شود

ماده ۱۴ - شورای عالی معارف نظام نامه داخلی خود و شعب ایالات و ولایات را تهیه نموده و پس از مشاوره شورای

این قسمت اول قدری توضیح را قائل بودم در این قسمت هم همین طور توضیح قائل میشوم در قسمت نوزدهم مینویسد تجدید نظر در احکام صادره از شورای ایالات و ولایات و بقیه بنده مقصود این است که اگر حکمی صادر شد رسیدگی نمود اگر صحیح است قبول والا رد نماید بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم و استدعا میکنم که آقای مخبر قبول فرمایند که در ذیل این جمله نوشته شود تجدید نظر و تخصیص صحت و سقم احکام صادره از شورای معارف ایالات و ولایات

رئیس - آقای فهیم الملک ( اجازه )

**فهیم الملک** - بنده با فرمایشات آقای مستشار السلطنه مخالفم مینماید فقط از نقطه نظر ترجمه زبانی کار اعضاء شورای عالی بایستی این ماده حذف شود بقیه بنده نمیشود در قانون این قبیل چیز هارا مدرک قرارداد تجدید نظر در احکام صادره از شورای ایالات و ولایات یکی از وظایف حتمی و تکالیف مهم شورای معارف است زیرا همانطور که رسیدگی بشکایات معلمین مدارس و غیره از وظایف شورای عالی است همانطور هم نمیتوان قائل شد که احکامی که از شورای معارف صادر میشود تجدید نظر بشود بلکه بقیه بنده هر قدر هر حکم از روی صحت باشد باز باید تجدید نظری در آن بعمل آید و البته مانع شورای ایالات و ولایات همان شورا عالی مرکز خواهد بود آنجا بایستی تجدید نظر نمایند . حالا اگر میخواهید بفرموده آقای وحید الملک کلیه احکام صادره را همویت ندهند ممکن است مخصوصاً قید شود احکامی که طرف مقابل از آنها شکایتی داشته باشند تا معلوم بشود فقط حق رسیدگی باحکامی دارند که تقاضای رسیدگی نسبت بآنها شده باشد والا اساساً تجدید نظر بایستی قید شود

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی مخالف هستم

**عماد السلطنه** - بنده پیشنهادی کرده ام

رئیس - آقا سید یعقوب ( اجازه )

**آقا سید یعقوب** - بنده با ماده موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی مخالفند؟

**حاج میرزا علی محمد** - خیر موافقم

رئیس - مخالفی نیست سه فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود ( بهضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ( ۱۹ )

بنده این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

میشود و بعد رأی میکنیم . ( بهضمون فوق قرائت شد )

**مخبر** - اولاً تجدید نظر در صورتی است که بغواهند رسیدگی و اگر بغواهند رسیدگی نمایند تجدید نظر معنی نخواهد داشت ثانیاً هر وقت شکایاتی نرسد باید تجدید نظر شود و اگر حکمی صادر و شکایاتی نسبت بآن بشود شورای عالی معارف مجبور نیست آنها را رسیدگی نماید بنا بر این بقیه بنده این عبارت صحت است

رئیس - رأی میکنم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای عماد السلطنه . آقایان که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( عده قلبی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا گمان میکنم لازم باشد مجدداً قرائت شود

**محمد هاشم میرزا** - بنده توضیحی دارم

رئیس - فرمائید

**محمد هاشم میرزا** - پیشنهاد بنده با توضیح آقای مخبر مطابق است زیرا بنده هم معتقدم که اگر شکایاتی نرسد تجدید نظر نخواهد بود ولی چون تجدید نظر مطلق در قانون ندارد و معلوم هم نیست که تجدید نظر در چه موارد خواهد بود لذا تصور میکنم عیبی نخواهد داشت عبارت ( در صورت شکایت ) بر این قسمت اضافه شود تا رفع سوء تفاهم بشود و همان مقصود آقای مخبر هم تأمین خواهد شد

**مخبر** - مقصود بنده همان بود که عرض کردم و حال هم تکرار میکنم که تجدید نظر در احکام صادره از شورای ایالات و ولایات در صورتی است که شاکی داشته باشد و بنده عرض همین عبارت کافی است و اضافه کردن عبارت دیگر زیاد است در قوانین عدلیه که یک وظایفی برای معاکم استیضاح و یک وظایفی برای دیوان عالی تمیز تعیین شده بدیهی است در صورتی که کسی از حکم بدایت شکایت داشته باشد با استیضاح عرض حال میدهد و از استیضاح به دیوان تمیز شکایت میکند پس بایستی در قانون عدلیه هم نوشته شود بعد از آنکه شکایاتی از استیضاح برسد دیوان عالی تمیز بایستی مسئله حشو و زیاد است و کلماتی که هیچ عنوانی ندارد و زیاد است نباید در قانون ذکر شود والا بنده منکر مطلب نیستم

رئیس - رأی میکنم آقایان که پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( عده قلبی قیام نمودند )

بنده این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

بنده این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

بنده این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )

**وحید الملک** - بنده از آقای مخبر سؤال می کنم که آیا این تبصره در قانون تشکیلات وزارت معارف هست یا خیر؟

مخبر - در قانون تشکیلات وزارت معارف که تغییر بقانون اداری شده است این جزو نیست ولی البته خاطر آقایان مستحضر است که در ماده دهم قانون اداری وزارت معارف چند جزء راجع به وظایف مجلس مشاوره ذکر شده ولی چون وزیر وقت آنها را کافی نمیدانست لایحه تقدیم مجلس کرد و در ضمن مطالعه در کمیسیون یک موادی هم با موافقت وزیر وقت اضافه شد و در ضمن شور اول این ماده هم پیشنهاد شد و کمیسیون اضافه نمود چون در ماده اول این لایحه مینویسد که شعب آن در مراکز ایالات و ولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید بنا بر این حق تجدید نظر را حکام آنها بشورای عالی معارف داده شد

رئیس - آقای وحید الملک ( اجازه )



یک مواد و شرایطی نسبت به مطبوعات اهم از کسب و فیرمه ملحوظ شده است و ادارات مطبوعات مسئول آنها است در کمیسیون هم همین مطلب مذاکره شد ولی کمیسیون صلاح ندانست رسیدگی باین قسمت را جزو وظایف شورای عالی معارف قرار دهد

**رئیس - آقای حاج میرزا محمدعلی دولت آبادی (اجازه)**

این اداره اصلاح شود اما تألیفات هم بر دو قسم است قسمتی راجع به مدارس که رسیدگی به آنها حتماً از وظایف شورای عالی معارف است و باید آنها را با دستور العملها یکپارچه داده شده تطبیق بکنند و اگر مطابق بود قبول والا رد نماید

قسمت دیگر مربوط به اداره مطبوعات است و بنده تصور می کنم مقصود جنابعالی باید باین ترتیب انجام پذیرد که یک وقتی اصولاً در اجرای قانون مطبوعات بعمل بیاید و اگر اشخاصی در اداره مطبوعات هستند و نتوانسته اند این وظیفه را انجام دهند یا یک تهرانی نسبت بآنها بشود و به علاوه از طرف دیگر نباید برای شورای عالی معارف وظایف زیادی معین کرده که در نتیجه نتواند با اغلب آنها برسد باین جهت کمیسیون در کتبی که طبع میشود مخصوصاً در کتب مذهبیه باید نظردقیقی بشود و به علاوه طبع کتبی که مغل اخلاق یا آزادی با برضند آسایش مشروطیت یا مذهب باشد در تمام دنیا ممنوع است. همین طور در ایران هر طبع و توزیع این کتب ممنوع است پس اشکال در این است که باید تقایس قانون مطبوعات را رفع کرده و آنرا بوضع اجرا گذاشت و بدین طریق تصور می کنم مقصود جنابعالی هم تأمین خواهد شد

**رئیس - نسبت بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله که بطریق الحاقیه پیشنهاد شده رای می گیریم آقایانی که پیشنهاد ایشانرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند**

**(عده قلیلی قیام نمودند)**

**رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای حاج میرزا علی محمد قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)**

بنده پیشنهاد می کنم این جزو اضافه شود: تهیه نظامنامه دارالتالیف

**رئیس - توضیح بدهید**

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - البته آقایان تصدیق میفرمایند ما پیش از هر چیزی بدانشین دارالتالیفی برای مدارس و مکاتب محتاج هستیم که مواظب باشد کتب خارجه بزبان بومی ما ترجمه و در مدارس منتشر شود و اگر دولت دارالتالیف و دارالترجمه نداشته باشد نواقص کتب مدارس ما رفع نخواهد شد و از وظایف شورای عالی معارف است که تهیه نظامنامه دارالتالیف را بکنند باین جهت بنده پیشنهاد کردم که این عبارت باده دوازدهم الحاق شود

**مخبر - پیشنهاد شما در کمیسیون مطرح و پس از دقت زیادی رد شد زیرا در**

عین اینکه بنده شخصاً وهمه آقایان معتقد هستیم کتب علمی باید کاملاً بزبان فارسی ترجمه شود تا همه بتوانند استفاده کنند چند چیز مانع قبول نمودن پیشنهاد آقایان شد یکی اینکه در قانون اداری وزارت معارف که در سنه ۱۳۲۹ مجلس دوم تصویب کرده اسمی از دارالتالیف برده نشده و تصدیق میفرمایند که این فقره موکول است باینکه از طرف دولت يك لایحه بمجلس تقدیم شود و يك شبهه علیه برای ایشانکار باید تاسیس شود. و به علاوه در سنوات سابق يك دارالتالیفی داشتیم که شاید خاطر آقایان مستحضر باشد ولی متأسفانه استفاده که معارف بایستی از آن دارالتالیف بکنند نمی کرد حالا بنده نمیخواهم عیشش را در اینجا ذکر کنم بنابراین مادامی که رسماً يك مؤسسه و شعبه پروژات معارف افزوده نشود از خود ندارد نظامنامه برای دارالتالیفی که رسماً جزء دوازدهم بوضع تصور میکنند اگر گذارده شود این مقصود را انجام میدهد هیچ لازم نیست يك اطافی در آنها بر کنند و عده میزبندی بگذارند و يك اشخاص را آنجا بیارند این دارالتالیفی هم که در این مدت بوده مطبع افکار و نظریات وزیر وقت بوده مثلاً يك وزیر خوش میاید مردم از تلگراف بی سیم اطلاع پیدا کنند يك رساله میداد ترجمه میکردند دیگری از عکاسی خوش می آید آنرا ترجمه می کردند؛ نه نظامه مرتب شده و نه تکلیف داخل و خارجش معلوم بود و نه نتیجه از آن حاصل می شد و بعقیده بنده جزو پانزدهم این مقصود را تأمین می کند زیرا وزارت معارف باید در نظر بگیرد کتب عام المنفعه را بمعرض مسابقه بگذارند و در جرایه اعلان کند هر کس این کتب را بهتر ترجمه کرد فلان قدر جایزه ب او داده میشود البته این طریق بهتر است و از يك معوطه چهار دیواری هم خارج نمیشود و چون ابلی مقصود بعمل میاید لازم نیست ما بیایم و يك نظامنامه برای يك دارالتالیفی که معلوم نیست اساساً تشکیل خواهد شد یا نه جزو وظایف شورای عالی معارف قرار دهیم ولی اگر يك وقتی مجلس کرد این شبهه تاسیس شود و مجلس تصویب نمود بدیهی است نظامنامه اش را شورای عالی معارف با موافقت وزیر تهیه خواهد کرد.

که تاریخ ایران دلیل و امثال آنها کثیر مدارس معمول شده است از تألیفات همان دارالتالیف است ولی مسابقه را هم بنده معتقد اما مسابقه باحالت امروزه مملکت مازع احتیاجات مکاتب و مدارس را نمیتواند و عقیده بنده این است که امور داشتن دارالتالیف و اینکه فرمودند هنوز در اداره معارف چنین مؤسسه نیست این خود دلیل است که این حق را بشورای عالی معارف بدهیم برای اینکه اگر این حق را بدیم دلیل خواهند بود بر اینکه لازم است يك همجو مؤسسه داشته باشیم، حالا اگر آقای مخبر موافقت نمی فرمایند بنده هم اصراری ندارم

**مخبر - بنده تصور می کنم در قسمت هریض خودم راجع به دارالتالیف اشتباهی نکرده باشم در خصوص تاریخ ایران که می فرمایند لازم است عرض کنم که چند نفر در تهران تاریخ نوشته اند مقدم بر همه آن ها آقای ذکاء الملک است**

**آقای ذکاء الملک در تاریخ نوشته اند يك تاریخ بزرگ و يك تاریخ کوچک و این دو تاریخ در دارالتالیف وزارت معارف نوشته شده است زیرا تشکیلات وزارت معارف از سنه ۱۳۲۹ شروع شده و قبل از این تاریخ دارالترجمه و دارالطباعه بود که بریاست اعتماد السلطنه اداره می شد و از سنه ۱۳۲۹ دارالترجمه حذف شده است و اناری از آن بیرون نیامده و پلیرا هم که میفرمایند قبل از سنه ۲۹ آقای ذکاء الملک پلیرا ترجمه کردند و چندی هم منتشر بود و بعد پلیرا بنده ترجمه کردم و منتشر شد و اینک امروز در تمام ایران معمول است ترجمه بنده است که معروف پلیر فارسی ما علم الاشیاء سال ششم میباشد علمی ای حال اینها مربوط به دارالتالیف نیست اگر يك آثار مهمه بعد از تشکیلات جدید وزارت معارف بیرون آمده است خوب است از آن دهند در هر صورت بنده منکر اضافه این اعتبارات نیست ولی بعضی اینکه در اینجا بنویسیم که از وظایف شورای عالی معارف تهیه نظامنامه دارالتالیف است دارالتالیف تشکیل نخواهد شد و دارالتالیف وقتی تاسیس خواهد شد که مجلس تصویب بکنند مادام که مجلس تصویب نکرده این قبیل چیزها منسب تشکیل آن نخواهد شد**

**رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)**

**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - از جمله موادی که می گویند رای شورای عالی معارف در آن قطعی نیست جزو هجدهم ماده دوازدهم است که می گویند شورای عالی معارف نظامنامه داخلی خود و شعب ایالات و ولایات را بهتر نموده پس از تصویب هیئت دولت بوضع اجرا خواهد گذاشت اگر بنا باشد در این قسمت رای شورا قطعی نباشد معلوم میشود هر يك از مواد نظامنامه را هیئت دولت تصویب نکرده بوضع اجرا گذارده نمی شود پس بعقیده بنده جزء هجدهم باین قیدیکه دارد لازم نیست در اینجا ذکر شود و همان مواد يك دو سه و هشت هفده قید شود بهتر است**

**مخبر - اگر جمله آخر جزو هجدهم یعنی عبارت پس از تصویب هیئت دولت بوضع اجرا خواهد گذاشت نمی شود حق با آقایان بود زیرا وقتی در اینجا جزء هجدهم را حذف کنیم اینطور تفسیر می شود که رای شورای معارف را حتی الاجرا باندیم و این تصور دیگر موافق و موکول کردن**

**حاج میرزا محمد علی - بنده پیشنهاد کرده ام قرائت شد**

**رئیس - تکلیف پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله معلوم شود تا بعد بدیگری بپردازیم.**

**(پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله بمضمون ذیل قرائت شد)**

بنده پیشنهاد میکنم که این ماده بر وظایف شورای عالی معارف اضافه شود.

**رسیدگی به تألیفات و مصنفاتی که اجازه طبع از وزارت معارف خواسته میشود.**

**حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرمایند توضیح عرض کنم؟**

**رئیس - بفرمایند**

این اداره اصلاح شود اما تألیفات هم بر دو قسم است قسمتی راجع به مدارس که رسیدگی به آنها حتماً از وظایف شورای عالی معارف است و باید آنها را با دستور العملها یکپارچه داده شده تطبیق بکنند و اگر مطابق بود قبول والا رد نماید

قسمت دیگر مربوط به اداره مطبوعات است و بنده تصور می کنم مقصود جنابعالی باید باین ترتیب انجام پذیرد که یک وقتی اصولاً در اجرای قانون مطبوعات بعمل بیاید و اگر اشخاصی در اداره مطبوعات هستند و نتوانسته اند این وظیفه را انجام دهند یا یک تهرانی نسبت بآنها بشود و به علاوه از طرف دیگر نباید برای شورای عالی معارف وظایف زیادی معین کرده که در نتیجه نتواند با اغلب آنها برسد باین جهت کمیسیون در کتبی که طبع میشود مخصوصاً در کتب مذهبیه باید نظردقیقی بشود و به علاوه طبع کتبی که مغل اخلاق یا آزادی با برضند آسایش مشروطیت یا مذهب باشد در تمام دنیا ممنوع است. همین طور در ایران هر طبع و توزیع این کتب ممنوع است پس اشکال در این است که باید تقایس قانون مطبوعات را رفع کرده و آنرا بوضع اجرا گذاشت و بدین طریق تصور می کنم مقصود جنابعالی هم تأمین خواهد شد

**رئیس - نسبت بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله که بطریق الحاقیه پیشنهاد شده رای می گیریم آقایانی که پیشنهاد ایشانرا قابل توجه میدانند قیام فرمایند**

**(عده قلیلی قیام نمودند)**

**رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای حاج میرزا علی محمد قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)**

بنده پیشنهاد می کنم این جزو اضافه شود: تهیه نظامنامه دارالتالیف

**رئیس - توضیح بدهید**

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - البته آقایان تصدیق میفرمایند ما پیش از هر چیزی بدانشین دارالتالیفی برای مدارس و مکاتب محتاج هستیم که مواظب باشد کتب خارجه بزبان بومی ما ترجمه و در مدارس منتشر شود و اگر دولت دارالتالیف و دارالترجمه نداشته باشد نواقص کتب مدارس ما رفع نخواهد شد و از وظایف شورای عالی معارف است که تهیه نظامنامه دارالتالیف را بکنند باین جهت بنده پیشنهاد کردم که این عبارت باده دوازدهم الحاق شود

**مخبر - پیشنهاد شما در کمیسیون مطرح و پس از دقت زیادی رد شد زیرا در**

عین اینکه بنده شخصاً وهمه آقایان معتقد هستیم کتب علمی باید کاملاً بزبان فارسی ترجمه شود تا همه بتوانند استفاده کنند چند چیز مانع قبول نمودن پیشنهاد آقایان شد یکی اینکه در قانون اداری وزارت معارف که در سنه ۱۳۲۹ مجلس دوم تصویب کرده اسمی از دارالتالیف برده نشده و تصدیق میفرمایند که این فقره موکول است باینکه از طرف دولت يك لایحه بمجلس تقدیم شود و يك شبهه علیه برای ایشانکار باید تاسیس شود. و به علاوه در سنوات سابق يك دارالتالیفی داشتیم که شاید خاطر آقایان مستحضر باشد ولی متأسفانه استفاده که معارف بایستی از آن دارالتالیف بکنند نمی کرد حالا بنده نمیخواهم عیشش را در اینجا ذکر کنم بنابراین مادامی که رسماً يك مؤسسه و شعبه پروژات معارف افزوده نشود از خود ندارد نظامنامه برای دارالتالیفی که رسماً جزء دوازدهم بوضع تصور میکنند اگر گذارده شود این مقصود را انجام میدهد هیچ لازم نیست يك اطافی در آنها بر کنند و عده میزبندی بگذارند و يك اشخاص را آنجا بیارند این دارالتالیفی هم که در این مدت بوده مطبع افکار و نظریات وزیر وقت بوده مثلاً يك وزیر خوش میاید مردم از تلگراف بی سیم اطلاع پیدا کنند يك رساله میداد ترجمه میکردند دیگری از عکاسی خوش می آید آنرا ترجمه می کردند؛ نه نظامه مرتب شده و نه تکلیف داخل و خارجش معلوم بود و نه نتیجه از آن حاصل می شد و بعقیده بنده جزو پانزدهم این مقصود را تأمین می کند زیرا وزارت معارف باید در نظر بگیرد کتب عام المنفعه را بمعرض مسابقه بگذارند و در جرایه اعلان کند هر کس این کتب را بهتر ترجمه کرد فلان قدر جایزه ب او داده میشود البته این طریق بهتر است و از يك معوطه چهار دیواری هم خارج نمیشود و چون ابلی مقصود بعمل میاید لازم نیست ما بیایم و يك نظامنامه برای يك دارالتالیفی که معلوم نیست اساساً تشکیل خواهد شد یا نه جزو وظایف شورای عالی معارف قرار دهیم ولی اگر يك وقتی مجلس کرد این شبهه تاسیس شود و مجلس تصویب نمود بدیهی است نظامنامه اش را شورای عالی معارف با موافقت وزیر تهیه خواهد کرد.

که تاریخ ایران دلیل و امثال آنها کثیر مدارس معمول شده است از تألیفات همان دارالتالیف است ولی مسابقه را هم بنده معتقد اما مسابقه باحالت امروزه مملکت مازع احتیاجات مکاتب و مدارس را نمیتواند و عقیده بنده این است که امور داشتن دارالتالیف و اینکه فرمودند هنوز در اداره معارف چنین مؤسسه نیست این خود دلیل است که این حق را بشورای عالی معارف بدهیم برای اینکه اگر این حق را بدیم دلیل خواهند بود بر اینکه لازم است يك همجو مؤسسه داشته باشیم، حالا اگر آقای مخبر موافقت نمی فرمایند بنده هم اصراری ندارم

**مخبر - بنده تصور می کنم در قسمت هریض خودم راجع به دارالتالیف اشتباهی نکرده باشم در خصوص تاریخ ایران که می فرمایند لازم است عرض کنم که چند نفر در تهران تاریخ نوشته اند مقدم بر همه آن ها آقای ذکاء الملک است**

**آقای ذکاء الملک در تاریخ نوشته اند يك تاریخ بزرگ و يك تاریخ کوچک و این دو تاریخ در دارالتالیف وزارت معارف نوشته شده است زیرا تشکیلات وزارت معارف از سنه ۱۳۲۹ شروع شده و قبل از این تاریخ دارالترجمه و دارالطباعه بود که بریاست اعتماد السلطنه اداره می شد و از سنه ۱۳۲۹ دارالترجمه حذف شده است و اناری از آن بیرون نیامده و پلیرا هم که میفرمایند قبل از سنه ۲۹ آقای ذکاء الملک پلیرا ترجمه کردند و چندی هم منتشر بود و بعد پلیرا بنده ترجمه کردم و منتشر شد و اینک امروز در تمام ایران معمول است ترجمه بنده است که معروف پلیر فارسی ما علم الاشیاء سال ششم میباشد علمی ای حال اینها مربوط به دارالتالیف نیست اگر يك آثار مهمه بعد از تشکیلات جدید وزارت معارف بیرون آمده است خوب است از آن دهند در هر صورت بنده منکر اضافه این اعتبارات نیست ولی بعضی اینکه در اینجا بنویسیم که از وظایف شورای عالی معارف تهیه نظامنامه دارالتالیف است دارالتالیف تشکیل نخواهد شد و دارالتالیف وقتی تاسیس خواهد شد که مجلس تصویب بکنند مادام که مجلس تصویب نکرده این قبیل چیزها منسب تشکیل آن نخواهد شد**

**رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)**

**حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - از جمله موادی که می گویند رای شورای عالی معارف در آن قطعی نیست جزو هجدهم ماده دوازدهم است که می گویند شورای عالی معارف نظامنامه داخلی خود و شعب ایالات و ولایات را بهتر نموده پس از تصویب هیئت دولت بوضع اجرا خواهد گذاشت اگر بنا باشد در این قسمت رای شورا قطعی نباشد معلوم میشود هر يك از مواد نظامنامه را هیئت دولت تصویب نکرده بوضع اجرا گذارده نمی شود پس بعقیده بنده جزء هجدهم باین قیدیکه دارد لازم نیست در اینجا ذکر شود و همان مواد يك دو سه و هشت هفده قید شود بهتر است**

**مخبر - اگر جمله آخر جزو هجدهم یعنی عبارت پس از تصویب هیئت دولت بوضع اجرا خواهد گذاشت نمی شود حق با آقایان بود زیرا وقتی در اینجا جزء هجدهم را حذف کنیم اینطور تفسیر می شود که رای شورای معارف را حتی الاجرا باندیم و این تصور دیگر موافق و موکول کردن**

ماده ۱۳ - رای شورای عالی معارف در غیر فقرات ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۱ - ۲۲ - ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۳۲ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۶ - ۵۷ - ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ - ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۴ - ۷۵ - ۷۶ - ۷۷ - ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ - ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ - ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ - ۹۲ - ۹۳ - ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۰ - ۱۰۱ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۵ - ۱۰۶ - ۱۰۷ - ۱۰۸ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۱۱۵ - ۱۱۶ - ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ - ۱۲۴ - ۱۲۵ - ۱۲۶ - ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۱۲۹ - ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۲ - ۱۳۳ - ۱۳۴ - ۱۳۵ - ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ - ۱۴۰ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۴۹ - ۱۵۰ - ۱۵۱ - ۱۵۲ - ۱۵۳ - ۱۵۴ - ۱۵۵ - ۱۵۶ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۶۶ - ۱۶۷ - ۱۶۸ - ۱۶۹ - ۱۷۰ - ۱۷۱ - ۱۷۲ - ۱۷۳ - ۱۷۴ - ۱۷۵ - ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰ - ۱۸۱ - ۱۸۲ - ۱۸۳ - ۱۸۴ - ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۸ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱ - ۱۹۲ - ۱۹۳ - ۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۹۶ - ۱۹۷ - ۱۹۸ - ۱۹۹ - ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۰۲ - ۲۰۳ - ۲۰۴ - ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ - ۲۱۸ - ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۱ - ۲۲۲ - ۲۲۳ - ۲۲۴ - ۲۲۵ - ۲۲۶ - ۲۲۷ - ۲۲۸ - ۲۲۹ - ۲۳۰ - ۲۳۱ - ۲۳۲ - ۲۳۳ - ۲۳۴ - ۲۳۵ - ۲۳۶ - ۲۳۷ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۲۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۳ - ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۴۹ - ۲۵۰ - ۲۵۱ - ۲۵۲ - ۲۵۳ - ۲۵۴ - ۲۵۵ - ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۸ - ۲۵۹ - ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۰ - ۲۷۱ - ۲۷۲ - ۲۷۳ - ۲۷۴ - ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۸۸ - ۲۸۹ - ۲۹۰ - ۲۹۱ - ۲۹۲ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۵ - ۲۹۶ - ۲۹۷ - ۲۹۸ - ۲۹۹ - ۳۰۰ - ۳۰۱ - ۳۰۲ - ۳۰۳ - ۳۰۴ - ۳۰۵ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹ - ۳۱۰ - ۳۱۱ - ۳۱۲ - ۳۱۳ - ۳۱۴ - ۳۱۵ - ۳۱۶ - ۳۱۷ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۰ - ۳۲۱ - ۳۲۲ - ۳۲۳ - ۳۲۴ - ۳۲۵ - ۳۲۶ - ۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۳۱ - ۳۳۲ - ۳۳۳ - ۳۳۴ - ۳۳۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۳۳۸ - ۳۳۹ - ۳۴۰ - ۳۴۱ - ۳۴۲ - ۳۴۳ - ۳۴۴ - ۳۴۵ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۳۵۵ - ۳۵۶ - ۳۵۷ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۳۶۵ - ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۶ - ۳۷۷ - ۳۷۸ - ۳۷۹ - ۳۸۰ - ۳۸۱ - ۳۸۲ - ۳۸۳ - ۳۸۴ - ۳۸۵ - ۳۸۶ - ۳۸۷ - ۳۸۸ - ۳۸۹ - ۳۹۰ - ۳۹۱ - ۳۹۲ - ۳۹۳ - ۳۹۴ - ۳۹۵ - ۳۹۶ - ۳۹۷ - ۳۹۸ - ۳۹۹ - ۴۰۰ - ۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳ - ۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۰۹ - ۴۱۰ - ۴۱۱ - ۴۱۲ - ۴۱۳ - ۴۱۴ - ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷ - ۴۱۸ - ۴۱۹ - ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۴۲۲ - ۴۲۳ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶ - ۴۲۷ - ۴۲۸ - ۴۲۹ - ۴۳۰ - ۴۳۱ - ۴۳۲ - ۴۳۳ - ۴۳۴ - ۴۳۵ - ۴۳۶ - ۴۳۷ - ۴۳۸ - ۴۳۹ - ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۴۲ - ۴۴۳ - ۴۴۴ - ۴۴۵ - ۴۴۶ - ۴۴۷ - ۴۴۸ - ۴۴۹ - ۴۵۰ - ۴۵۱ - ۴۵۲ - ۴۵۳ - ۴۵۴ - ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۴۵۷ - ۴۵۸ - ۴۵۹ - ۴۶۰ - ۴۶۱ - ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۵ - ۴۶۶ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - ۴۶۹ - ۴۷۰ - ۴۷۱ - ۴۷۲ - ۴۷۳ - ۴۷۴ - ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ - ۴۷۹ - ۴۸۰ - ۴۸۱ - ۴۸۲ - ۴۸۳ - ۴۸۴ - ۴۸۵ - ۴۸۶ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۹ - ۴۹۰ - ۴۹۱ - ۴۹۲ - ۴۹۳ - ۴۹۴ - ۴۹۵ - ۴۹۶ - ۴۹۷ - ۴۹۸ - ۴۹۹ - ۵۰۰ - ۵۰۱ - ۵۰۲ - ۵۰۳ - ۵۰۴ - ۵۰۵ - ۵۰۶ - ۵۰۷ - ۵۰۸ - ۵۰۹ - ۵۱۰ - ۵۱۱ - ۵۱۲ - ۵۱۳ - ۵۱۴ - ۵۱۵ - ۵۱۶ - ۵۱۷ - ۵۱۸ - ۵۱۹ - ۵۲۰ - ۵۲۱ - ۵۲۲ - ۵۲۳ - ۵۲۴ - ۵۲۵ - ۵۲۶ - ۵۲۷ - ۵۲۸ - ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - ۵۳۲ - ۵۳۳ - ۵۳۴ - ۵۳۵ - ۵۳۶ - ۵۳۷ - ۵۳۸ - ۵۳۹ - ۵۴۰ - ۵۴۱ - ۵۴۲ - ۵۴۳ - ۵۴۴ - ۵۴۵ - ۵۴۶ - ۵۴۷ - ۵۴۸ - ۵۴۹ - ۵۵۰ - ۵۵۱ - ۵۵۲ - ۵۵۳ - ۵۵۴ - ۵۵۵ - ۵۵۶ - ۵۵۷ - ۵۵۸ - ۵۵۹ - ۵۶۰ - ۵۶۱ - ۵۶۲ - ۵۶۳ - ۵۶۴ - ۵۶۵ - ۵۶۶ - ۵۶۷ - ۵۶۸ - ۵۶۹ - ۵۷۰ - ۵۷۱ - ۵۷۲ - ۵۷۳ - ۵۷۴ - ۵۷۵ - ۵۷۶ - ۵۷۷ - ۵۷۸ - ۵۷۹ - ۵۸۰ - ۵۸۱ - ۵۸۲ - ۵۸۳ - ۵۸۴ - ۵۸۵ - ۵۸۶ - ۵۸۷ - ۵۸۸ - ۵۸۹ - ۵۹۰ - ۵۹۱ - ۵۹۲ - ۵۹۳ - ۵۹۴ - ۵۹۵ - ۵۹۶ - ۵۹۷ - ۵۹۸ - ۵۹۹ - ۶۰۰ - ۶۰۱ - ۶۰۲ - ۶۰۳ - ۶۰۴ - ۶۰۵ - ۶۰۶ - ۶۰۷ - ۶۰۸ - ۶۰۹ - ۶۱۰ - ۶۱۱ - ۶۱۲ - ۶۱۳ - ۶۱۴ - ۶۱۵ - ۶۱۶ - ۶۱۷ - ۶۱۸ - ۶۱۹ - ۶۲۰ - ۶۲۱ - ۶۲۲ - ۶۲۳ - ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۶۲۷ - ۶۲۸ - ۶۲۹ - ۶۳۰ - ۶۳۱ - ۶۳۲ - ۶۳۳ - ۶۳۴ - ۶۳۵ - ۶۳۶ - ۶۳۷ - ۶۳۸ - ۶۳۹ - ۶۴۰ - ۶۴۱ - ۶۴۲ - ۶۴۳ - ۶۴۴ - ۶۴۵ - ۶۴۶ - ۶۴۷ - ۶۴۸ - ۶۴۹ - ۶۵۰ - ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳ - ۶۵۴ - ۶۵۵ - ۶۵۶ - ۶۵۷ - ۶۵۸ - ۶۵۹ - ۶۶۰ - ۶۶۱ - ۶۶۲ - ۶۶۳ - ۶۶۴ - ۶۶۵ - ۶۶۶ - ۶۶۷ - ۶۶۸ - ۶۶۹ - ۶۷۰ - ۶۷۱ - ۶۷۲ - ۶۷۳ - ۶۷۴ - ۶۷۵ - ۶۷۶ - ۶۷۷ - ۶۷۸ - ۶۷۹ - ۶۸۰ - ۶۸۱ - ۶۸۲ - ۶۸۳ - ۶۸۴ - ۶۸۵ - ۶۸۶ - ۶۸۷ - ۶۸۸ - ۶۸۹ - ۶۹۰ - ۶۹۱ - ۶۹۲ - ۶۹۳ - ۶۹۴ - ۶۹۵ - ۶۹۶ - ۶۹۷ - ۶۹۸ - ۶۹۹ - ۷۰۰ - ۷۰۱ - ۷۰۲ - ۷۰۳ - ۷۰۴ - ۷۰۵ - ۷۰۶ - ۷۰۷ - ۷۰۸ - ۷۰۹ - ۷۱۰ - ۷۱۱ - ۷۱۲ - ۷۱۳ - ۷۱۴ - ۷۱۵ - ۷۱۶ - ۷۱۷ - ۷۱۸ - ۷۱۹ - ۷۲۰ - ۷۲۱ - ۷۲۲ - ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۲۵ - ۷۲۶ - ۷۲۷ - ۷۲۸ - ۷۲۹ - ۷۳۰ - ۷۳۱ - ۷۳۲ - ۷۳۳ - ۷۳۴ - ۷۳۵ - ۷۳۶ - ۷۳۷ - ۷۳۸ - ۷۳۹ - ۷۴۰ - ۷۴۱ - ۷۴۲ - ۷۴۳ - ۷۴۴ - ۷۴۵ - ۷۴۶ - ۷۴۷ - ۷۴۸ - ۷۴۹ - ۷۵۰ - ۷۵۱ - ۷۵۲ - ۷۵۳ - ۷۵۴ - ۷۵۵ - ۷۵۶ - ۷۵۷ - ۷۵۸ - ۷۵۹ - ۷۶۰ - ۷۶۱ - ۷۶۲ - ۷۶۳ - ۷۶۴ - ۷۶۵ - ۷۶۶ - ۷۶۷ - ۷۶۸ - ۷۶۹ - ۷۷۰ - ۷۷۱ - ۷۷۲ - ۷۷۳ - ۷۷۴ - ۷۷۵ - ۷۷۶ - ۷۷۷ - ۷۷۸ - ۷۷۹ - ۷۸۰ - ۷۸۱ - ۷۸۲ - ۷۸۳ - ۷۸۴ - ۷۸۵ - ۷۸۶ - ۷۸۷ - ۷۸۸ - ۷۸۹ - ۷۹۰ - ۷۹۱ - ۷۹۲ - ۷۹۳ - ۷۹۴ - ۷۹۵ - ۷۹۶ - ۷۹۷ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ - ۸۰۵ - ۸۰۶ - ۸۰۷ - ۸۰۸ - ۸۰۹ - ۸۱۰ - ۸۱۱ - ۸۱۲ - ۸۱۳ - ۸۱۴ - ۸۱۵ - ۸۱۶ - ۸۱۷ - ۸۱۸ - ۸۱۹ - ۸۲۰ - ۸۲۱ - ۸۲۲ - ۸۲۳ - ۸۲۴ - ۸۲۵ - ۸۲۶ - ۸۲۷ - ۸۲۸ - ۸۲۹ - ۸۳۰ - ۸۳۱ - ۸۳۲ - ۸۳۳ - ۸۳۴ - ۸۳۵ - ۸۳۶ - ۸۳۷ - ۸۳۸ - ۸۳۹ - ۸۴۰ - ۸۴۱ - ۸۴۲ - ۸۴۳ - ۸۴۴ - ۸۴۵ - ۸۴۶ - ۸۴۷ - ۸۴۸ - ۸۴۹ - ۸۵۰ - ۸۵۱ - ۸۵۲ - ۸۵۳ - ۸۵۴ - ۸۵۵ - ۸۵۶ - ۸۵۷ - ۸۵۸ - ۸۵۹ - ۸۶۰ - ۸۶۱ - ۸۶۲ - ۸۶۳ - ۸۶۴ - ۸۶۵ - ۸۶۶ - ۸۶۷ - ۸۶۸ - ۸۶۹ - ۸۷۰ - ۸۷۱ - ۸۷۲ - ۸۷۳ - ۸۷۴ - ۸۷۵ - ۸۷۶ - ۸۷۷ - ۸۷۸ - ۸۷۹ - ۸۸۰ - ۸۸۱ - ۸۸۲ - ۸۸۳ - ۸۸۴ - ۸۸۵ - ۸۸۶ - ۸۸۷ - ۸۸۸ - ۸۸۹ - ۸۹۰ - ۸۹۱ - ۸۹۲ - ۸۹۳ - ۸۹۴ - ۸۹۵ - ۸۹۶ - ۸۹۷ - ۸۹۸ - ۸۹۹ - ۹۰۰ - ۹۰۱ - ۹۰۲ - ۹۰۳ - ۹۰۴ - ۹۰۵ - ۹۰۶ - ۹۰۷ - ۹۰۸ - ۹۰۹ - ۹۱۰ - ۹۱۱ - ۹۱۲ - ۹۱۳ - ۹۱۴ - ۹۱۵ - ۹۱۶ - ۹۱۷ - ۹۱۸ - ۹۱۹ - ۹۲۰ - ۹۲۱ - ۹۲۲ - ۹۲۳ - ۹۲۴ - ۹۲۵ - ۹۲۶ - ۹۲۷ - ۹۲۸ - ۹۲۹ - ۹۳۰ - ۹۳۱ - ۹۳۲ - ۹۳۳ - ۹۳۴ - ۹۳۵ - ۹۳۶ - ۹۳۷ - ۹۳۸ - ۹۳۹ - ۹۴۰ - ۹۴۱ - ۹۴۲ - ۹۴۳ - ۹۴۴ - ۹۴۵ - ۹۴۶ - ۹۴۷ - ۹۴۸ - ۹۴۹ - ۹۵۰ - ۹۵۱ - ۹۵۲ - ۹۵۳ - ۹۵۴ - ۹۵۵ - ۹۵۶ - ۹۵۷ - ۹۵۸ - ۹۵۹ - ۹۶۰ - ۹۶۱ - ۹۶۲ - ۹۶۳ - ۹۶۴ - ۹۶۵ - ۹۶۶ - ۹۶۷ - ۹۶۸ - ۹۶۹ - ۹۷۰ - ۹۷۱ - ۹



بوده معارف را نوشته و قابل اجرا نیست آنوقت چه کنیم؟ کاری کنیم اگر اینطور شد مجلس رد می کند و انگهی اگر اعضای شورای عالی معارف یک اشخاصی باشند که آنقدر بی فکر و از اوضاع مملکت آنقدر مطلع نباشند لیاقت عضویت شورای عالی معارف را ندارند دیگر اینکه یکی از چیزهایی که در این لایحه ذکر نشده و در شور کلی مرض خواهم کرد و این است که شرایط و خول اعضاء شورای عالی معارف را نوشته اند ولی شرایط انفصال آنها را ننوخته اند که اگر اعضای شورای عالی معارف بوظیفه خود عمل نکردند چه باید کرد؟ و اما راجع به قسمت اول و دوم و سوم که راجع به توسعه معارف و پیشرفت معارف است بعد از آنکه خود وزیر هم در شورای معارف سمع ریاست را دارد و حاضر است اگر هر آینه شورای عالی معارف تصمیمی اتخاذ کرد جهت اینکه نباید اجرا بشود چه چیز است؟ اگر می فرمائید شورای عالی معارف از اوضاع مملکت اینقدر بی بصیرت است که مثلاً تحصیل اجباری را بدون اینکه وسائلش فراهم باشد رد می دهد و زیروقت هم مجبور است از آنرا اجرا کند آنوقت چه خواهد شد؟ خود وزیر معارف در شورا هست شرایط اشخاصی را هم که در اینجا هستند قبلاً شما نوشته اید که باید اشخاص عالم و دانشمند و بصیر بمقتضیات باشند و لیاقت داشته باشند البته چنین اشخاص بصیری که بیست نفر در یک مجمع می نشینند و با مقتضیات وقت نظریه برای پیشرفت معارف اتخاذ می کنند نباید افکار آنها را فلج کرد و بوزیر معارف حق داد که بتواند بگوید من نمی خواهم نظریات شما را اجرا کنم شما زحمت کشیدید منم هم هستم اما باید در بونه اجمال بماند وقتی ما شورای عالی معارف را باین ترتیب تشکیل می دهیم اگر بنظرشان رسید یک قدمهایی برای پیشرفت معارف با مقتضیات وقت بردارند باید حتمی الاجراء باشد بنده از نقطه نظر توسعه معارف بفرود حق می دهیم که عرض کنم باید قسمت اول و دوم و سوم را از این ماده خارج کنند و نسبت به بودجه اینقدر اهمیت نمی دهیم و تصویبش با خود مجلس خواهد بود

**رئیس** - پیشنهادی رسیده است امضاء ندارد و پس از قرائت معلوم میشود از طرف کیست

(بعضی ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده سیزدهم اینطور نوشته شده

رأی شورای عالی معارف در فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۸ و ۱۷ و ۱۸ با موافقت رأی عقیده وزیر حتمی الاجراء است

**سهام السلطان** - پیشنهاد آقای

میرزا سید حسن کاشانی است  
**رئیس** - توضیح بدهید  
**آقا میرزا سید حسن کاشانی**  
 قانون که نوشته می شود استثناء نباید داشته باشد زیرا قانون باید در مرکز و ایالات و ولایات همه جا اجرا شود برای چه باید برای آنها حتمی الاجراء نباشد آقای مخبر فرمودند بعضی اشکالات فراهم می شود که وزیر از همه اجراء نمی تواند بر آید باین جهت بنده پیشنهاد کردم با موافقت وزیر باشد

**مخبر** - بنده ماده سیزدهم را یک مرتبه دیگر می خوانم مینویسد رأی شورای عالی معارف در فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۸ و ۱۷ و ۱۸ از ماده دوازدهم حتمی الاجراء خواهد بود تصور میکنم این مقصود را این ماده با توضیحاتی که بنده دادم در بردارد و در غیر این فقرات حتمی الاجراء است یعنی موافقت وزیر شرط نیست و در اینجا که مستثنی شده موافقت وزیر شرط است و اینکه می فرمائید یک عده دانشمند در اینجا حاضرند وزیر هم حضور دارد باید رأی آنها حتمی الاجراء باشد بنده نمی توانم قبول کنم زیرا این قسمتها بمسئولیتی که وزیر در مقابل مجلس شورای ملی مجبور باستضاح شد تکلیف چیست. اگر نباشد این قسمت را تصدیق کنم لازمه اش این است که یک سلب حق از وزیر کرده باشیم و در اغلب قوانین هم استثناء هست و اگر ملاحظه فرمایند در قانون اساسی هم خیلی از جاها استثناء دارد و می گوید این حکم باید اجرا شود مگر در فلان مورد مقصود این است که در غیر فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۸ و ۱۷ و ۱۸ از ماده دوازدهم رأی شورای عالی معارف در صورتیکه وزیر هم موافقت نکند بموقع اجرا گذارده می شود ولی در این فقرات رأی شورا حتمی الاجراء نیست مگر اینکه وزیر موافقت نکند

**رئیس** - این پیشنهاد مجدداً قرائت می شود و رأی می گیریم  
 (پیشنهاد آقای میرزا سید حسن کاشانی مجدداً قرائت شد)

**آقا میرزا سید حسن کاشانی**  
 توضیحاتی که آقای مخبر دادند بنده را قانع کرد و پیشنهاد خود را استرداد مینمایم

**رئیس** - پس رأی می گیریم بماده سیزدهم ترتیبی که در راپورت کمیسیون نوشته شده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند  
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده چهاردهم که ماده الحاقیه است قرائت می شود  
 (شرح ذیل قرائت شد)

برای اهتمام در تنظیم مدارس قدیمه و

در ترفی علوم دینی در تحت نظر و مراقبت وزیر معارف شورائی بترتیب ذیل تشکیل خواهد شد  
 از علماء درجه اول سه نفر از مدرسین درجه اول منقول و معقول و دو نفر از متولیان مدارس قدیمه درجه اول و دو نفر و شعب این شورا مطابق قانون مخصوص در مراکز ایالات و ولایات دایر خواهد گردید

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

**سلیمان میرزا** - بنده با این قانون مخالف هستم هر چند قبل برای اینکه سوء تفاهم نشود عرض میکنم منتهی آرزوی بنده این است که مدارس ما حقیقتاً مثل مدارس مصر و سایر ممالک اسلامی اداره بشود و احتیاجات ما را کاملاً انجام بدهد و البته منتهی آرزوی هر معارف خواهی است که معارف مملکتی روز بروز ترقی کند علمی الغصوص که در این مدارس علوم دینی مملکتی در او تدریس میشود و البته ترویج علوم دینی منتهی آمل هر متدینی است ولی با همه این موافقتها که دارم مخالفت بنده از دو نقطه نظر است اول اینکه همانطور که عرض کردم معارف را یک شاخه گلی میدانم که در هر جا که بروید گل است و بوی خوش خودش را خواهد داد و اطراف خود را منظر خواهد کرد خواهد در این اطاق درس بخوانند خواه در آن اطاق اسمش مدارس قدیمه باشد یا مدارس جدیده همان نتیجه که ترویج معارف عمومی است باید گرفته شود و معارف مملکت اسلامی هم پیشرفت نخواهد کرد مگر اینکه اهالی بدانند چه میکنند با همه این ترتیبات اشکالی که بنده دارم این است که متأسفم چرا باید ما از حالا قائل شویم باینکه در یک مدارس علم قدیم تدریس و اسمش را بگذاریم مدارس قدیمه بنده که هیچ تفاوتی نمی بینم اساس تمام مدارس بر روی معلومات است و البته مطابق اصول اسلامی خواهد بود منتهی مدارس قدیمه که اسم برده میشود مدارس عالی است که در آنجاها فقه و اصول و سایر ترتیبات تدریس میشود بنابراین بنده بهتر میدانم که شوری بعضی شود و زحمتی برای وزیر معارف تولید نشود که گاهی در این شوری حاضر شود و گاهی در شورای دیگر گاهی این شوری یک رأی بدهد گاهی آن شورا رأی دیگری بدهد هر دو برای تحصیل است مگر در مدارس دیگر کتب دینی تدریس نمیشود بلی در این صورت چرا باید شوری معارف دو تا باشد که آنوقت در این موضوع این شوری یک رأی بدهد و آن شوری یک رأی دیگری بدهد و در آتی یک اختلافاتی تولید شود و ما بگردیم که یک معنی پیدا کنیم قطع و فصل این دعوی را بکنند ولی اگر دو شوری یکی بشود چون مقصود و مقصد یکی است

شاید زودتر بمقصد برسیم این یکی از علل مخالفت بنده است و با اینکه اصولاً موافقم یکی دیگر اینکه این ماده الحاقیه نقط وجود این شوری را تصدیق میکند دیگر هیچ وظایف و ترتیبی برای اومعین نشده ولی شعب آن نوشته است مطابق قانون مخصوص تشکیل میشود آیا باید برای مرکز شوری وظایفی معین نشود اگر باید شوری وظایفی برایش معین شود این عبارت ناراست است و عقیده بنده بهتر این است اگر عرض (و شعب این شوری مطابق قانون مخصوص دایر خواهد شد) زیرا این عبارت اینطور مینماید که مرکز قانون مخصوصی لازم ندارد دیگر اینکه از جمله چیزهایی که بنده میخواستم یاد آوری کنم این است که بشکل ماده الحاقیه اضافه کنیم که عضویت این شوری هم مثل شوری عالی معارف مجانی است زیرا مسئله معارف و معلم یک چیزی است که اجرت قابل آنها نیست و اگر تمام دارائی خود را بیک معلم بدهیم ابتدا ضرر ندارد و باز هم معلم طلبکار است بدخترانه ما این جا قدرش را کم میدانیم و بیست و یکتومان میدهیم آنهم هفت هشت ماه بتأخیر میازیم تحصیل علم جزء عبادان است درس دادن هم جزء عبادات میباشد شارع مقدس هم اجرت را برای عبادان صحیح ندانسته پس این مزدیکه باورده میشود باید گفته شود هدیه ناقابل است که بمعلم داده میشود و بعنوان رفع خسارت است و خوب نیست راجع باین اشخاص را این شرایطی که در باره آنها ذکر می شود این مسئله مبهم باشد بهتر آن است همانطور که بنده پیشنهاد کرده ام در اینجا قید شود که عضویت آقایان هم برای خدمت مملکت و اسلاط و ترقی معارف مجاناً و بلا عوض خواهد بود باز هم متذکر می شوم که اساس این شوری هم باید مطابق یک قانونی باشد و همان شرایطی که برای اعضای شوری معارف لازم بود برای اینها هم شرایطی که لازم است باید معین شود مقصود این است اینها نواقصی است که این ماده دارد و باید برطرف شود

**رئیس** - چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند بقیه مذاکرات میماند بقیه دیگر پیشنهادی هم از طرف عده آقایان رسیده مبنی بر اینکه طرح قانونی راجع بمدت توقف مأمورین سیاسی در خارج کشور دستور امشب گذاشته شود رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند جزو دستور امشب گذاشته شود قیام فرمایند  
 (عده قلیلی نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد تلگرافی از اصفهان رسیده است قرائت میشود  
 مجلس را ختم میکنم

(بعضی ذیل قرائت شد)  
 توسط آقای حاج امین التجار اصفهانی کمیته اتحادیه معتمد تجار کمیته ستاره ایران کمیته ایران کمیته طوفان مقام مقدس دار - شورای ملی شیدان الله ار کانه در جریده معتمد ایران درج کسر سال گذشته هشتاد و کسر صادرات و واردات مملکتان بوده البته علاقمند باین آب و خاک رامتأثر و باید بفکر علاجی باشد اتحادیه تجار اصفهان یگانه علاج این کار پوشیدن لباس وطنی رادانسته و تمام تجار و سایر طبقات با خیال مقدس ماهره و هم قسم که از صبح نوروز مجلس بلباس وطنی بشویم از هموم و کلاه معتمد استعدا میکنیم اگر علاج همین است که شما آقایان هم همراهی فرموده و زینت بدهید اندام مبارک خودتان را بلباس وطنی و در قانون استخدام هم مقید باین شرط باشد که اجزای آنکه گزرا نشان از بیت المال مردم است لباسشان وطنی باید همیشه باشد هر ایرانی برای کفر این کسر را بکنند اگر در سال بیست و پنج قران از اجناس خارجه کمتر خریداری کند رفع این کسر میشود اتحادیه تجار

**رئیس** - آقای حاج نصیر السلطنه (اجازه)

حاج نصیر السلطنه - بنده می خواستم استعدا کنم حالا که آقایان تصویب فرمودند قانون راجع بمدت توقف مأمورین سیاسی جزو دستور امشب باشد در صورتیکه ممکن است جزو دستور جلسه آتی بشود

**رئیس** - باید تطبیق و توزیع شود یک نسخه هم برای هیئت دولت فرستاده شود

حاج نصیر السلطنه بهیئت دولت فرستاده شود

**رئیس** - جلسه آتی روز شنبه - و بقیه شور درم در قانون شورای عالی معارف و بقیه شور در لایحه امتیاز الحاق آب کارون زاینده رود و راپورت کمیسیون بودجه راجع بفرقراری شهریه در حق ورثه مرحوم وفاء الدوله

(مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

**رئیس** - مؤتمن الملك  
**جلسه هفتاد و پنجم**  
**صورت مشروح مجلس یوم**  
**شنبه چهارم شهر رجب المرجب**  
**(۱۳۴۰) مطابق (۱۳) برج حوت**  
**(۱۳۰۰)**

مجلس دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبه (۱۱) برج حوت را آقای تدین قرائت نمودند

**رئیس** - نسبت بصورت مجلس اپردی هست یاخیر  
 (اظهاری نشد)

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد